

بسیار نیکو بر اهالی آن سواحل خواهد بخشید  
 اخبارات انگلیسی مینویسند که لارڈ کرزن  
 فرمانفرمای هند در سواحل خلیج فارس دربار بر  
 شکوهی مانند خواهد نمود - و شیوخ آن بواح را  
 که تحت حماة دولت انگلیس اند دعوت خواهد کرد  
 و اوقی بلخی خواهد داد - و مقاصد سیاسیة دولت  
 انگلیس را در باره ایران بابشان خواهد نمود -  
 ( سرآرتھر هاردنج ) سفیر دولت انگلیس در دربار  
 ایران بانظام این دربار از حلا مشغول است

تکرافات

( ۲۶ جمادی الثانی - ۱۹ ستمبر )

( مستر برادرک ) یوم دوشنبه برای ملاقات  
 عیاحضرت ادورد هندم بجانب (بامورل) خواهد رفت  
 در سوویا آثار امنیت ظاهر میشود - نمایندگان تمام دول  
 در اسلامبول و صوفیا مشغول اصلاحات لازمه میباشند  
 ( مستر دلکاسی ) وزیر خارجه فرانس در دارالشوری  
 بیان نموده که دولت روس و استرلیا داخله در معاملات  
 هندونیا نخواهند نمود - البته در اجرای مجوزة اصلاحات  
 خود اقدام خواهند کرد - دولت دیگر نیز درین باره  
 آنها همراهی خواهند نمود

( ۲۷ جمادی الثانی - ۲۰ ستمبر )

بموجب خبریکه در ( سلونیکا ) رسیده جنگهای  
 خنیف در ( برلین - برسیا - و بیرمهالتکان ) جاری  
 و ۹۴ بلغاریان و ده نفر ترکان کشته شده اند  
 اعلیحضرت سلطان عثمانی سفیر روسرا حضوراً  
 فرموده اند که حرکات لشکریانرا بنظر متأسفانه میگردند -  
 و جلوگیری از مسلك آنها شده بسزا خواهند رسید  
 يك دستة قشون عثمانی را از ( رتروتیرا ) حکم  
 شده تبدیل نمایند - چه همت نهر سیاهیان باعی را بتغ  
 رسانیده و عیسویاییکه در سفارتخانهها پناه گرفته محصور  
 داشته اند

( ۲۸ جمادی الثانی - ۲۱ ستمبر )

( مارتن پلسار تدارک ) ۲۰۰۰۰۰۰ قشون دو

سرحد دیده - و در هرصه يك هفته در سرحد جمع  
 خواهند شد - دو توپخانه از ( فیلیپو پلیس ) بطرف  
 سرحد ( هرطایا ) حرکت داده اند

( سنت جس گرت ) مینویسد که اعلیحضرت  
 ( ادورد هفتم ) استقرار مستر ( استین چیرلین ) را بمسئله  
 وزارت مالیه منظور فرموده - و نیز مینویسد شاید  
 ( ارل آف سیابورن ) وزیر مستعمرات و ( مستر ارنلد  
 فارسنز ) وزیر جنگ و ( مستر برادرک ) وزیر هند و  
 ( لارڈ استانی ) وزیر پست مقرر شده اند

( بابعالی امارت ( سرویا ) را متنبه نموده که در تأیید  
 شورشیان اهالی سرویا در هندونیا جمع میشوند جلوگیری  
 آن لازم است - امارت سرویا جواب داده که از قوه او  
 بیرون است که جلوگیری نماید تا قشون عثمانی دست  
 از قتل و نارت عیسویان در آنصوب باز نگیرد

( مستر ( اسکیز ) قونسل امریکا بمجهة عقد ماهده  
 تازه با دولت حبش با کیسیون مخصوص عنقریب روانة  
 ایسیزیا خواهد شد

( ۲۹ جمادی الثانی - ۲۲ ستمبر )

( خبریکه لارڈ ( مانر ) را وزارت مستعمرات داده  
 شده - درون بصواب بیست بتسازی از لندن خبر  
 رسیده لارڈ ( مانر ) حسبالطلب حرکت بجانب لندن  
 نموده است

( یکی از ارباب سیاست پاریس به اخبار ( استندرد )  
 خبر داده که بین ( لارڈ انسدون ) و سفیر فرانس در لندن  
 گفتگو من باب ( مراکو ) پیش است - دولت فرانس  
 استحکام ( تانجیر ) را ذمه خواهد نمود و در صورتیکه  
 مراکو را در اقتدار و تحت نفوذ فرانس دولت  
 انگلیس تسلیم نماید - صاهنت تجارت آنجا را هم خواهد  
 کرد - و نیز حقوق و نفوذ انگلیس را در مصر دولت  
 فرانس تسلیم نموده است

( ظاهر شده که اقدامات دولت متحده امریکا در  
 حبش برای تجارت میباشد - ولی مظنون است که در

اقدامات دولت مشارالها منافع دول دیگر تا درجه پایال خواهد شد

§ علاوه بر تلگرافات تسلی بخش که به (مستر جبرلین) از نوآبادیها رسیده تلگرافات متأسفانه هم از استغای او خیلی رسیده است

§ (مستر بانور) صدر اعظم انگلستان تاکنون در (ادمبرل) است و قیام وی در آنجا ظاهر میدارد که باز تبدیل وزارت خواهد شد

§ مسئله (مراکو) بین دولتین انگلیس و فرانس جاری و هیچ امری تاکنون تصفیه نشده است (۱ رجب - ۲۳ ستمبر)

§ در صوفیا افواهاست که بابعلی مستعد شده که بلاواسطه رشته اصلاحات مقدونیا را بدست خویش گرفته تدارک شافی نماید - ولی بلغاریان مائل اند که کیسیوی قائم شود که غالب اعضای آن اهالی بلغار باشند و تمام اعمال دولت عثمانی را اعضای کیسیون ملاحظه نمایند - شنیده می شود که بابعلی نیز این امر را منظور نموده - ولی تاکنون رسماً خبری نرسیده - این گفتگو بین وزیر بلغار و رئیس کیسیون عثمانی شده وزیر بلغار استفسار کرده که در ماده ده هزار نفر فراریان (برکس) چه تدبیر خواهد شد - رئیس کیسیون عثمانی اطمینان داده که حفاظت آنها را در عودت بجانهای خود شان خواهد نمود - ازین گونه مکالمات ظاهر میشود که عملاً قریب رفع جمیع غوائل بلغان خواهد شد

§ تلگراف امروز مراتب فوق الذکر را که از صوفیا رسیده تکذیب مینماید - و اغتشاش بلغان را زیاده از سابق خبر میدهد

§ چون رطایا از قوت و قدرت و نفوذ و عقل و دانش پادشاه انگلستان مطمئن اند یقین دارند شخص پرمعزای را در وزارت جنگ مقرر خواهند فرمود (۲ رجب - ۲۴ ستمبر)

§ از صوفیا تلگرافا خبر رسیده که حالات بلغان زیاده از سابق مغشوش است

§ ظاهراً اعلیحضرت سلطان عثمانی خواهش دارند که نیران بغاوت را خودگی بخشد - ازین جهت مستدعیات بلغاریانرا قبول فرموده - ولی طرفداران جنگ که اقتدارشان روز افزون در تزايد است میگویند که بلغاریان برای یافتن وقت و موقع این بهانه را گرفته اند

§ دولت روس رسماً اعلان داده که چون نگاهداری قشون زیاد برای دولت عثمانی موسم زمستان در میدان جنگ دشوار است لذا باید مجوزة اصلاحات دولتین استریا و روس در ماده متدونیا که جمیع دول منظور نموده قبل از زمستان در موقع اجرا آید ورنه اگر جنگ بین عثمانی و بلغار درگیرد هیچ يك از این دو دولت یعنی عثمانی و بلغار را چه ظاهر و چه باطناً احدی از دول اروپا هیچگونه امداد نخواهد نمود

§ دسته از جہازات جنگی انگلیس که در دریای مغرب بود در خلیج (سودوا) رسیده است

§ دولت استریا در اعلان رسمی تصدیق اعلان رسمی دولت روس را نموده اظهار داشته است که اگر در مجوزاتیرا که آنها پیش کرده بی اعتنائی شود دولت عثمانی و بلغار هرچه کنند اعتنائی بدانها نخواهد شد - چه تمام دول مجوزات آنها را منظور نموده اند -

(۳ رجب - ۲۵ ستمبر)

§ امپراطور روس در ویانه آخر شهر جاری خواهند رسید

§ پادشاه برسی اهالی هنگری مجبور نمود وزراء را که حسن نخت نشینی امپراطور فرانس جوزف را تسلیم نمایند

§ تمام فرق عیسویها را چه از رعایای انگلیس و چه از رعایای فرانس که در مراکو بوده اند سلطان مراکو حکم داده که از (فیض) که شهر پایتخت است خارج شوند چه بواسطه عداوت شورشیان بومی با آنها مال و جانسان در معرض خطر و تلف است

§ امارت بلغار از بابعلی خواهش نموده که عدت قشون خود را در سرحد بلغار تخفیف دهد - بابعلی در جواب از شورشیان مرحدی شکایت نموده است

§ (سرنیکوتس) سفیر دولت انگلیس به بابعلی

❦ اخبارات خارجه ❦

❦ شنیده میشود (لارڈ کنچر) سہ سالار ہند در لندن طب شدہ و بمعدہ وی (سرارجالد ہنستر) مقرر خواهد شد

❦ متمولین امریکا در (ہوسٹن) مستعد شدہ کہ تعلیم صناعت و حرفت بہ بومیان ہندوستان بدہند

❦ وقایع نگار (استندرد) از ویانہ مینویسد کہ تمام دول ارادہ دارند در ساحل سلونیکا قشون بحری خود را بفرستند

❦ افواہ است کہ دولت انگلیس - فرانس - ایتالی - مجارہ و مشورہ برای نگاہداری امنیت در بلغار و مقدونیا مینمایند

❦ دو کارخانہ برک بارچہ بانی (لورپول) ور شکستہ

❦ در (کونستند) مجدداً مرض طاعون نمودار شدہ است

❦ اخبارات سرویا مینویسند کہ برای مقابلہ با قشون عثمانی در مقدونیا اہالی سرویا شرکت خواهند نمود

❦ عدہ قشون سر، یا یک صد و دوازده ہزار و مجموعہ قوہ جنگی بلغار دوہست و پنج ہزار است - در مقابل قشون دولت عثمانی بالغ بر یک ملیون و نیم است

❦ دولت بلژیک مداخلت انگلیسیان را در مستعمرات خود پسند نمیکند - دولت انگلیس خواہش کردہ کہ تصفیہ امور مختلفہ با کبسیون مخصوص بشود بادشاہ بلژیک قبول نہ نمودہ است

❦ بواسطہ زیاد شدن قیمت شکر شہربی فروشہنای بندر گلاسگو قیمت شہربی را زیاد نمودہ اند

❦ برای نوشتن تاریخ صحیح جنگ جنوب افریقا دولت انگلیس جنرل (فریدرک ماریس) را حکم دادہ است

❦ در تمام ممالک اروپا ناپتیان در ممالک اروپائی روس ہش دیدہ میشود - چنانچہ تخمین نمودہ اند فی ہزار دو نفر ناپتیانند

❦ تمام رقبہ ممالک عثمانی را (۱۱۴۵۰۰۰) مربع میل مگویند - وجملہ رقبای اسلامی آن را (۱۵۵۰۰۰۰)

رسماً اطلاع دادہ کہ اگر جنگ شود نہ عثمانی و نہ بلغار امید تأیید از دولت انگلیس داشتہ باشند - و نیز اظہار داشتہ تدابیریکہ برای اصلاحات بکار بردہ اند نفس است

( ۴ رجب - ۲۶ ستمبر )

❦ اعلی حضرت سلطان عثمانی کبسیونی برای اصلاح امور مقدونیا تشکیل نمودہ کہ در آن یک نفر مسلمان و (۴) نفر عیسویان و حامی پاشا رئیس آن کبسیون مقرر شدہ است

❦ در جواب خطی کہ از کشیش بزرگ انگلستان در خصوص قتل عیسویان مقدونیا بہ (مستر بالفور) صدر اعظم انگلستان رسیدہ - مشاعر الیہ با کمال ادب اظہار داشتہ کہ علت این اغتشاشا فقط از بی انتظامی حکومت عثمانی نیست - اختلاف مذہب سبب شدہ کہ عیسویان برخلاف دولت عثمانی برخاستہ - واگر نابعلی مدرسہ - و باشندگان مقدونیا براسی قبول اصلاحات روس واستریا را مینمودند این نتیجہ حاصل نمی شد - از طرف باہمالی درین امر کھلی شد - و از جانب بلوژیان زیادتی - تا عاقبت این نتیجہ را نخبید - و فہن است کہ روس - استریا - عثمانی در انتظام آصوب غفلت نخواہند ورزید - اتحاد روس و استریا با تأییدات دول دیگر مارا امیدوار ساختہ کہ این مسئلہ اہم بزودی رفع شود چہ رسوخ دول در (مانان) زیاد است

❦ افواہ است کہ لارڈ (مانر) از قبول شرکت پارلمان کارہ است - ولی کوشش مینمایند کہ این عہدہ را قبول نمایند

❦ اگر (لارڈ مانر) وزارت مستعمرات را قبول نماید (دیوک آف مابورن) مظنون است کہ نائب وزیر خند شود

❦ کبسیون عثمانی بہ امارت بلغار اعلام نمودہ کہ نابعلی فرمائی نافذ نمودہ در آن اصلاحاتیکہ در تاریخ ۲۳ مذاکرہ شدہ بود رہام منظور نمودہ است - ولی چون تقرر کبسیون تا حال رسمی نشدہ در صوفیا افواہ است کہ تمام این اعمال جمع و خرج زبانی و بی اصل است

- ملخص از روزنامه ایران -

روزشنبه بیست و دوم ربیع الثانی در صاحبترانیه  
بمرض آستان هایون رسبد که امروزه بهترین ارمغان  
بمضور اقدس آورده اند - يك بسته جای تقدیم پیشگاه  
هایون شده معروض داشتند که این جای است که درگیلان  
عمل آمده ( شرح اقدام زراعت جانی در بلوک لاهیجان  
گیلان در شماره دوم و سوم هذمه السنه روزنامه ایران  
مشروحاً نگارش یافت) و امتحان طبخ و طعم آن هم  
شد - بسیار خوب و مرغوب بود - بندگان هایون  
زیاده از حد از این بشارت و ارمغان خرسند و مسرور  
گردیده شرحی در این مسئله مهمه و در باب تکمیل و  
توسعه و اشاعه این زراعت در ایران فرمایش فرمودند  
و باهتمامات و توفیر و تکثیر این زراعت سودمند امر  
نمودند و خاطر خطیر هایون از این مسئله اطمینان  
حاصل نمود

امروز بر هیچکس پوشیده نیست که جای یکی  
از ائمه و مال التجاره عمده ایست که از خارجه بایران  
می آید و سالی کرورها پول رعیت بدهای آن بخارج  
می رود و معترف آن بقدری عمومیت و شیوع هم رسائیده  
که گویا اکثر نفسی در این مملکت باشد که جای صرف  
نماید - فی الواقع از فروعی است که جزو اصول معاش و  
تالی قوت غالب مردم شده است - پس چنین متاعی را  
اگر روزی خبر دهند که در داخله مملکت اقدام  
بزراعت آن شده و بخوبی عمل آمده است - چه قدر  
برای قاطبه قاطنین مملکت از اعضا دولت و افراد رعیت  
جای خرمی و مسرت خواهد بود - یعنی چنان است  
که از حالا بشارت دهند که بخواست خدا سالی چندین  
کرور بندریج و مرور بردخل و ثروت عمومیه مملکت  
و ملت افزوده شده است

آیا این راه دخل و سود از یکجا رخنموده و  
چگونه بدست آمده - معلوم است از توجهات کامله

است که از روز جلوس هایون بر سر برجهای بانی تاکنون  
در این سنین مدوده ابواب سعادت عدیده برامالی این  
مملکت رخنموده - ترقیات جدیده مفیده در امر تعامات  
و تأسیس مدارس عدیده مایه و ترقی جمع کثیری از  
ابناء وطن در راه علوم و معارف و احداث بعض  
مدارس جدیده دواتی مانند مدرسه مبارکه سیاسی و  
مدرسه فلاحت - و ترجمه و طبع کتب متنوعه مفیده  
عاجیه و غیره و ترقی و انتظام اداره گمرک ممالک محروسه  
که از امور مهمه و شعب فواید عمده دولت است و  
احداث کارخانجات چراغ برق در نقاط عدیده و ترقی امر  
طبع و مطبوعات و جراید مملکت و تا یکدرجه آزادی  
افکار و اقلام نگارندگان در نگارش و نشر مطالب راحمه  
بمنفع عام و ترویج مسوجات و مصنوعات مملکت و غیره  
پس جای آن است که نارجای فراوان این مملکت و مملکت  
نیکیخت بوجود هایون این برانزنده تاج و تخت بسی  
بالیده و نازیده مزید فوز و اقبال و سعادت استقبال  
خویش را بدین شعر تقال نمایند

( باش ناصح دواتت بدمد )

( کاین هنوز از نتایج سحر است )

باری امیدواریم نوجهات خاصه بلوکانه و اهتمامات  
واقیه ائمه دولت رور افزون عنقریب بواسطه نعمیم و  
توسعه و ترویج زراعت بجای اهالی این مملکت بکلی ار  
جای چین و سایر ممالک روی زمین مستغنی شده - و  
بلکه جای داخله ایران مانند سایر ائمه و محصولات  
نباتی و حیوانی این مملکت از قبیل برنج و بریشم و پشم  
و تریاک و خشکه بار و حبوب و غیره حمل بخارج شده  
و در عوض پول داخل مملکت گردد - این نه  
رحمیه محالست - چرا که خاک ایران با بعض محال چین  
در يك عرض است و بسیاری از نقاط ایران مانند  
سواحل بحر خزر در آب و هوا مشابه و مانند همان  
اراضی جای کاری ممالک چین است

تا اینجا توجه سلطنت و اقدام دولت بود از این

ببند دیگر بسنه یسی و همت رعیت و اقدام ارباب ثروت و خداوندان گنج زراعت و فلاح است و شکر این عهد و روز و سپاس نعمت این هابون وجود چهسان افروز بر همه کس فرض و واجب که طریق ترقی و ثروت رعیت و ابواب یکجہتی مات را بدین گونه بار فرموده است

چون هوای بیایاقب شمیران روبه گرمی نهاده و رحد اعتدال خارج شده است - بتدگان اعلیحضرت اقدس هیرون شاهش هی خلدالله سلطانہ در این دو روزه - بیایاق صاحبترایہ عربت به بیایاق پشت کوه البرز سیرماید - کہ این اوقات در کمال حوشی و لطافت و عتال است - مدها در هر قریه و نقطه که منزل و مقام در مصر ب حیم از سوی کردون احتشام خسروای باشد کارش جوید بافت

### مکتوب یکی از وطن پرستان

در غم شاد و نه رونی در وطن دارم  
ای بی بخت برگردد این طالع که من دارم  
مؤدالا - اما - دیده گریان - خیال پریشان - دست  
لرزان سوام بخدمه برداخت - مختصر حال خود را بیان  
نمایم - این بنده را با ملامت ایران و جور ظالمان بربری  
و وحشیگری آنان بگذار در وطن مقدس زندگانی  
نماید - بیچار از آنجا کپاک معذرت خواسته خود را  
بمرتب انداخته - رنج و کربت را براحث وطن اختیار  
کرده - ناگاه دیدم لوحه بنام حبل المتین از جانب هندوستان  
ظهور نمود - آرادوسر پرست مات - رفتار و کردار و گفتار  
آغالمان اراستوزرا یک یک نوشته نشر مییابد - بین مات  
فلک زده و اولیای دولت خمار آلوده - خود را واسطه  
قرار داده است - این بنده ایواسطه را وسیله سعادت  
شمرده - بقین کردم کہ اولیای دولت از درد ملت  
میخبرند - تا کمال شوق و ذوق خود را بدون دعوت  
بخبر حبل المتین قرار داده آنچه دانستم - شنیدم - دیدم -  
نویشم - بامید اینکه اگر کارها اصلاح پذیرد - من هم  
فیض خواهم برد - البته ابتکارها در جائیکه مرض

شخصی و ذاتی باشد بی اجر نخواهد ماند - آن بود  
نویشم - نویشم - نویشم عاقبت دیدم بر عکس ثمر  
داد - الحاصل روز بروز کار رعیت بدتر - ساعت بساعت  
امور دوات سخت تر شد - مایوسانه زبان بر بستم  
قلم شکسته در گوشه نشسته منتظر دست غیب یا بلای  
آسمانی گشتم

تا آنکه دیروز عمره سی ششم تاریخ سیم جمادی الاول  
(۱۳۲۱) نامه مقدس حبل المتین رسید - خوانده تا رسیدم  
بجائیکه تا کراف عالم را نوشته شده بود - کہ پس از  
آنیکه تا کراف عالمی اعلام نجف اشرف کتباته  
اششالم بنوسط حکیم الملک بمشور مهر ظهور  
هابونی رسید - ذات اقدس ملوکانه را بدالوصف متالم  
گردید - چون انابک وارد شد تا کراف عالم را یافته  
بسم کرده عرض کرد - قربان بارها عرض کردم کہ  
آخوندها پول میخوانند اعلیحضرت هابونی بهتر میدانند  
کہ حلوا حوران عراق مثل حلوا خورهای طهران  
گرسنه شده - این امور را وسیله واسباب گلش خود  
قرار داده اند - ورنه چیزیکه ندارند درد دین است و  
از مات خیر ندارند یک مشت پول بدهید تا سخ این  
تا کراف را بعد از چند روز بیساورم الخ - بعد قهر  
کرده بیارک رفته دو سه روز بدربار نیامد

چون این نطق و جسارت انابک را خوانده لرزه بر  
اندام افتاده - چشمهایم خیره گشت - نزد کاسه سرم حوشید -  
دیوانه وار دودسته بر سر زده گفتم - تق بر تو ای روزگار  
تم - خدایا چه عصر و زمان است دیگر چه خبرها باید  
شنید - دید این چه وضع مسهانی است - آیا از آن افتاد و  
سه ملت اسلام ما کدام بشمار خواهم رفت - ده سال پیش از این  
یکی ازین بزرگواران حکم نمود استعمال دخانیات حرام است -  
هفتاد پنج میلیون امت محمدیه صلوات الله که حفری مذهبنده  
دفتتارک دخانیات گفتند - حق در مری سلطنت حرمهای  
شاه قلیانها را شکستند بادشاهی غیور مثل ناصر الدین شاه  
تا کراف عاجزانه به میرزا زد - جواب صادر شد زیاده  
از این عقب نکند بدر خواهد شد و از دره باجاری



شاه قرآن را شفیع قرار داده بدست نایب السلطنه داد تا از رعیت مهلت بخواند چه شده که در حضور سلطان اسلام قاطبه علمای اعلام را باین کلمات یاد نمایند - و سلطان اسلام ساکت - امت محمد صلی الله علیه و آله خاموش - مقلدین این مجتهدین در تقاید خود باقی باشند - ای امت محمد صلی الله علیه و آله و ای ایرانیان شما را عقیده این است که اگر تقاید نباشد عبادت صحیح نیست - بشنوید که مجتهدین شما را چه سخنان میگویند این چه تقاید است همه چیزی شما را برباد کردند - حالا نوبت بدین و مذهب رسیده شما این سخنان را از انابك بشنوید و ساکت نشینید عجب تقاید کردید - عجب حوصله دارید - از که ترسیدید صاحب این جسارت ارباب این تفاوت گوینده این ناسزا کیست - دین ایمان او که ظاهر شد فعل و رفتار و گفتارش را شمه بیان نمایم صاحب این جسارت خراب کننده ایران - ویران کننده سلطنت ایرانیان است - باوجود این مراتب عزیز محترم و فعال ما برید همه چیز ایرانیان شده است

نصیر باید نمود چه کرده که تا این درجه عزیز بی حجه شده و حدان از ما سوال نمایند در این بی سال که زمام اختیار بی و چهل ~~کرور~~ مات ایران سپرده بدست بی کفایت او بود چه کرده ؟ آیا تا امروز دو سنگ را بنام عمارت دولتی یا ~~مکتب~~ و مدرسه ملی و کارخانه و دارالفنون و غیر و غیر رویهم گذاشته است ؟ آیا يك وجب برای حل و نقل راه شوسه و پل کاروانسرا بنا نهاده ؟ این عزیز بی حجه يكفابريك نجارتی زراعتی فلاحی فراهم آورده ؟ این عزیز بی حجه يكفوج سرباز افزون کرده ؟ این عزیز بی حجه يكفاهه و استحکام در يكسرحد درست کرده - این عزیز بی حجه يكتوب يك تفنگ يا خبه خانه و ذخیره آماده کرده ؟ این عزیز بی حجه يك معاهده بادول و يا يك امتیاز بخارجیه داده که دولت مضون نباشد ؟

آیا تعجب چه شده که مات از دولت روگردان

دوات از مات حراسان شده - سنگ تفرقه میان دولت و مات انداخته دخل مملکت که امروز صدکرور سر میزند کجا رفته و میبرود - حجه این خرابیها را همین عزیز بی حجه سبب شده و هست - آیا او سبب نشد دولت یات کرور ایرة انگلیسی خسارت رزی را قبول کرد آیا او باعث نشد وجه سه دفعه قرش بشارت رفت در واقعه شاه شهید حقیقت امر را بکدنیا شناید کرد عجب تر آنکه - روایت و کفایت خود را در عدم اغماش ایران را بخرج ملین داد - اگر چه در طهران جمع قایل از دانایان ملتفت شدند - ولی من عالم میگویم همه عالم بدانند که این همه زردهای اوست

چنانچه بر همه معلوم است شاه شهید را روز پنجشنبه در شاعرزاده عبدالعظیم میرزا رسای کرمانی کشت - روز چهارشنبه بکهر از تهران بصدراعظم کاغذی بعنوان دلیل نوشت

(قرابت کردم - میرزا رضای زمانی از اسلامبول و راه مازندران آمده و در شاعرزاده عبدالعظیم بنهار شده - منتظر فرصت و وقت است - ظاهراً خیال خیانت و قصد سوء نسبت با علی حضرت دارد اگر قوه بفعل آرد برای ایران بدعتی خیلی بزرگ خواهد شد - شنیدم شاه فردا خیال زیارت عبدالعظیم دارد احتیاط را از دست ندهد اید

( من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم )

نویسنده دانسته بود که صدراعظم اعتبار نخواهد کرد کاغذ را بدو سه نفر نشان داده شاهد گرفت و کاغذ را وقتیکه صدراعظم می آمد بدو سپرد - فردا آنچه نوشته شد بود شد بعد از چند روز صدراعظم آن شخص محترم دیدم گفتم من کاغذ را گرفتم ولی بنخواندم کاغذ را خواسته همه دیدند سر از ایست - این بود که به سوای میرزا رضا دسترس یکی دیگر پیدا نکرد - ورنه چراغ هرازان خانواده بزرگ را خاموش میگرد - بغرض شخص خود خدمتی که در عمر خود این عزیز بی حجه بایران کرده همین بود و بس - افسوس که گنجایش نیست اعمال این

عزیز بی جبهه را یگان یگان بر شرم - چون بنوع  
 بر میخورد و بدست خارجه خواهد افتاد. ورنه هو هو  
 و مو مو میتوان خیانتهای او را بر شمرد چه فایده  
 (مصاحبت نیست که از پرده بیرون افتد راز)  
 (ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست)

اینست کارهای آسانه، درابت حکیمانه این عزیز بیجبهه.  
 خیانتی بدوات از این بزرگتر میشود که روز و شب خیال  
 شخص اول دوات این باشد که رجال مدبر صادق  
 دواحوام را از پای تخت بیرون کرد. شاه مظلوم را در پس  
 پرده نگذارد. و بارها دستخط شاه را بدرد. حامل  
 دستخط را با بخش وقتا بیرون کند. تاگراف برادرشاه  
 را بیاورند بخورد حامل دهد. بر شاه را گاهاسب گاه  
 عمل نماید. دختر شاه را خراج نماید. حسارت را بجائی  
 رساند که نسبت به مجتهدین کفر گوید سبحان الله -  
 سبحان الله چه فرسوگری و رجز حوائی است - اول  
 باید از او پرسید تو پول برای دوات باقی گذارده که  
 مدعی باید داست این بزرگواران درویش هندی باسید  
 قبلی نیستند که برای یش رفت کار خود هزار تومان  
 مدعی. هر يك ازین وجودهای مندرس را هر سال دو سه  
 کرویر پول بدست میرسد باز با يك پیراهن زندگانی بنمایند.  
 و از گرسنه گی شب را بروز می آورند. مسازقه  
 اگر اینها پول بگیر باشند جداوند بشکند دهن کسی را  
 که باین بزرگواران اینگونه تمهت زند. اگر در دستگاه  
 دوات پولی مراغ داری به اشکر بده سرباز نواز که در  
 وقت ضرورت بکار بند. احتیاج به پول دادن بعلم  
 بیست بخدا سوگند امرور در ایران يك فوج سرباز نیست  
 که با حکم تو يك تفنگ خالی نماید. ای عزیز بی جبهه  
 پس است بر خود ببخشا - حق ملک ولی نعمت خود را  
 از این زیاده ضایع مکن. چه خوب مناسب حال گفته اند  
 آزار جو عزیز بود لطاف جوی خار  
 هست از سرشت دهر دم. مضطرب چراست  
 مستلزم نمانت بود زهر و بیعتیست  
 سرمایه حیلت بود آب بی بهاست

الحاصل فرس از تحریر آن است که فردای قیامت  
 اگر محمد مصطفی سؤال فرماید ای امت من شنیدید  
 در حضور پادشاه علای امت را (که قائم آل محمد در  
 حششان فرموده هر کس آنها را رد کند ما را رد کرده.  
 هر کس ما را رد کرد پیغمبر را رد کرد. هر کس پیغمبر  
 را رد کرد خدا را رد کرده است) توهین نمودند شما  
 چه کردید. عرض کنم یا رسول الله من شنیدم بسر زدم  
 گریه کردم. و اگر هم عوان مرا حبل المین نتر نکند  
 روز رستخیز گریه اش گرفته بجد بزرگوارش بسپارم  
 و دادخواهی کنم

ای کمابیکه هر روز در مساجد بسر زده گریه  
 کرده میگویند یا حسین کاش در کربلا بودیم جانرا نتو  
 فدا میکردیم بدانید و آگاه باشید این نامزگان این عزیز  
 بی جبهه کمتر از گزنیهای عمر ان سعد که روز عاشورا بسید  
 الشهداء علیه السلام گشت نیست چون عمر سعد آشکارا گشت  
 من دشمن دشمن عمر سخن را بدشمن خود روا میداند  
 حرف اینجا است که با دعوی دوستی نامزها میگوید

من از بیگانگان هرگز ننالم

که چون آنچه کرد آن آشنا کرد

از محررین روزنامه معذرت میخواهم از سوزش  
 دل اینقدر کلام بطول کشید مسلم است که این اهانت بدین  
 است و هیچ شیعه غیور نتواند از شنیدنش متألم و مأسف  
 نکردد اگر کارچنان ماند البته مذموب و لاحده زندیق  
 مذهب رسمی ما خواهد شد (ناصر حسرو میگوید)

از چه در آئی همی درون که چنین

مردمی از خالق جمله بیرون شد

فعل همه حور گشت و کرد حفا

فول همه زرق و عده افسون شد

ملك جهان گر بدست دیوان بد

باز مکنون حالها میدون شد

سر فلک بر کشید بی خردی

مردمی و سروری در آمون شد

(اقل العباد عباده ابروانی)

مکتوب از طهران

مؤیدالاسلام - چندیت یکی از دانایان بنسابت وقت عنوانی نوشته که شرحش در اطلاع نگارش یافته خلاصه آنرا برای درج در نامه مقدس لازم شمرد  
شهریاران باید با غایت رفق و رأفت و کمال لطف و مرحمت مرمونی از دفع معاسد و رعایت مصالح عامه و اجرای مقاصد مهمه ~~مالیه~~ اغماض فرمایند و طریق مسامحت نسیانند و در هیچ باب از امور سلطنت رأی رزین و خرد دورین را راه خردگیری و اعتراض باز نگذارند و کارهای کردنی را از مرور بفرود نیاندازند ملکات رأفت و رقت و رحمت و شفقت را هرگز در پیش استبداد راه ندهند - و آنچه را در روزگاران پیشم مهر و مرحمت برای نفس خویش برگزیده باشند برعایت مصاحتی از مصالح ~~مالیه~~ با ملی بکلی چشم از آن پوشند - و خیر عام و حفظ نظام را بیچ چیز چندانکه گرامی و عزیز باشد فروشند

کتاب تواریخ در شرح اعمال سلاطین بزرگ سابق که صفحات تواریخ و جراید ایام را بسام نامی و کردار بزرگ خویش زینت و افتخار ابدی داده اند بهترین گواهی بر این مدعی است - که در شریعت مالکداری و طریقت فرمانکداری و ادای حق این مقام ارجند چه باند کرد - البته داستان بطر کبیر قیصر روس و معامله وی با (الکسی) فرزند خویش در راه حفظ قانون و صیانت ملک و مصلحت مملکت و کار دولت بر آنان ~~که~~ تصحیح در تواریخ عمده اند مکتوف است

یکی از قدمای رجال ایندوات زمانی من بنده را حکایت کرد که شهریار ملک آقا محمد خان قاجار که اساس سلطنت دودمان قاجاریه را برقرار نهاد - یکی از متمندان خویش را بولایت و حکمرانی عراق برگماشت سالیان چند عادت سنوده این والی با اهالی این بود - که هر سال قریب بیست تودوز از مرکز ولایت بدرباردوات می آمد و نخست حساب

خویش را بدفتربان داده و مقاصد حساب گرانه و خاطر فارغ و حساب مفرغ شرفیاب حضرت - اندک گردیده منشور حکومت سال نو بنامش تجدید میکردند و آن شهریار وی را بدین رسم و حسن معاملات بسی تحسین نموده و با ممانعت و عدالت و صداقت سنوده مرخصش میفرمود - بجزوه حکومت خویش عودت میکرد - نه سالی نزدیکان و صدقایی وی او را وسوسه و مباحثه بینی نموده گفتند با این همه اظهار مرحمت شهریارشاید نباشد که تو همه ساله دست نمی بدربارشاه میروی هر چند پادشاه از تو متوقع تقدیم تحفه و اهدای هدیه نباشد لکن تو نباید یکباره رسم خدمت و وظیفهت چاکری فرو گذاری سالها در حوزة ولایتی حکمرانی میکنی سزاوار آن است که از ارمان این ولایت چیزی لایق بر من بیشکلی بحضرت سلطان بری البته موجب مزید خوشنودی خاطر شهریار از خدمات تو خواهد برد - که گفته اند

( بهادبا من القلوب مکان و خابق بحبه الانسان )

والی بوسوسه و اغوای اسدقا و اهالی خویش در پایان این سال که عزیمت دارالخلافه می نمود یک تخته قالی ممتاز از بافته عراق و چند جلد روغن با خود بدربر سلطنت حمل داد و پس از شرفیابی بتخیل آستان سلطنت و تقریب حساب و اخذ ~~مالیه~~ حساب و فرمان حکومت سال جدید و نیل بکمال مرحمت و تمجید پادشاه روزیکه بری رخصت مراجعت بمرکز حکومت خود شرفیاب حضرت شهریار می شد قالی و جلود روغن را به پشتگاه مسرای سلطنت آورد - چون پادشاه از حرمخانه بیرون آمد چشمش محکم افتاد فرمود کارت تمام است؟ عرض کرد بلی - چه وقت میروی؟ امروز برخصت میرونی عازم - باز شرحی او را تحسین و تمجید و از طرز حکومت و روش خدمت وی اظهار خوشنودی فرمود پس از آن نظارش بهدایا افتاد فرمود اینها چیست؟ عرض کرد یک تخته قالی و چند جلد روغن از ارمان عراق است - برای چیست؟ هدیه نالایق محض تقدیم



حاکمای همون • مگر باقی مالیاتی از سال سابق داری ؟  
 خیر حسابم پاک است . آیا برسم مساعده سال نوجنسی  
 بجای نقد میدی ؟ نه مالیات سال تو بجای خوداست .  
 پس این ار مال کیست و برای چیست ؟ از مال خاصه  
 خودم اره غانی از آن ولایت تهیه و بشکس نمودم .  
 خاطر سلطان متغیر گشته فرمود توحز و واجب دولت  
 که در اراء خدمت است چیزی از خود نداری پس  
 معلوم میشود اسال قصد و طمع داری که رعیت مرا  
 بجایی و مالی ناحق از آنها بستانی که نخست از آن  
 دام طمع بندی بیای ما مینهی تا هرچه کنی مارازبان  
 مؤاخذت بسته و عان جلوگیری سست باشد . پس او  
 را سی دشام فرموده و از نظر لطف و عنایت دور  
 ساخته بفرمود تا فرمایش را باز ستانیده دریدند و او  
 را از آستان رانده دیگر برای خدمتش نخواندند . و با  
 خندان تمام بخانه خویش رفته در گوشه اعزال و انزوا  
 نشست

چون کار و نیت شهریار نسبت بر رعیت چنین باشد  
 مدیعی است تا چه حد مال و عرض و ناهوس رعیت  
 مصون و محفوظ و از زندگانی خود برخوردار و محظوظ  
 و تا چه مایه قلوب عامه بطرف سلطان ما یل و  
 محذوب تواند گردید

گویند در عهد شاه طهاسب صفوی پسر شاه اسمعیل  
 بطر باستغنیای دولت و غایت رعایت رعیت آن شهریار  
 هینو قرار مدت هشت سال خراج از مملکت نگرفت .  
 و میگفت حال که با کسی جنگی نداریم که وجهی لازم  
 باشد برای گذران هم که نخواه داریم تاجر هم نیستیم  
 که آنچه گیرم بکار تجارت پردازیم یا سوداگر که  
 از آن سودی اندوزیم پس نقود نزد رعیت باشد و  
 از آن سود برسد . بهتر از آن است که در خزانه ما  
 محبوس باشد هر وقت محتاج شویم از رعیت مینوایم  
 گرفت

دولت جمهوری انارونی یتگی دنیا هم که بیول حایه  
 ایران تریاً سالی هزار و یکصد کرور تومان خراج از

مملکت محکومه میستانند در قرن ماضی مدت چندین  
 سال يك تات مالیات مملکت را بر رعیت تخفیف داد و  
 این از غایت غنا و ثروت و ذات مخارج دولت بود . اما از  
 سلطنت صفویه در اوان حدائت و جوانی و مبادی ایام  
 جهانبانی یا همسایگان قوی مانند دولت عثمانی از جانب  
 مغرب و خوانین اوزبک از طرف مشرق و ماوراء النهر  
 که نه اعتمادی نسبت عهد مسالمت و مصالحت همسایگان  
 و نه اطمینانی بترك تركتاری اوزبکان بود اینکار خیلی  
 غریب مینمود . الا اینکه بگوئیم از کمال تقه و اطمینان  
 سلطنت باطاعت و ارادت و وفای رعیت و عادت شاه  
 برستی و غیرت فدویت آنها بود که در هنگام حاجت  
 و روز شدت کیسه رعیت را بلا تفاوت مثل خزانه  
 دولت میدادست و ملت ملی را از خزانه بمنزلی  
 بهتر مینمود

بلی هرگاه چنین شهریاری مایق را باشد باید دید  
 وظیفه و تکلیف طبقات يك امقی که در سایه عنایت و  
 کتف رعایت اینگونه شهریار آرمیده باشند از رعیت و  
 نوکر و درویش و توانگر و عالی ودانی در رعیت و خدمت  
 چیست ؟ و چگونه باید . فی الزمه خویش را بجا آرند  
 البته در چنین صورت البته بادعوی دیانت حکم  
 ( اطاعة السطان من الايمان ) را مهمل نباید گذارد

قبل از یاد آوری و بیان وظیفه و تکلیف خادم  
 و رعیت ناگزیریم اختطاب را مقدمه بیان کنیم و سخن  
 از حقیقت و معنی اتحاد دین و دولت و ملک و ملت  
 بمیان آریم تا هر کس بداند که قیام بشرایط این اتحاد  
 همان عین وظیفه و تکلیف اوست که باید چون قرائض  
 یومیه بجا آورد

شك نیست که نفوذ و قدرت بكدولت یعنی آنگونه  
 نفاذ و اقتداری که زوال پذیر نبوده و همه وقت بتواند  
 جلوگیری و دفاع از حوادث و نوائب نموده ناموس  
 آن مملکت و شرف و منزلت آندولت را حفظ نماید  
 وقتی است که مقاصد دولت عین مقاصد ملت - و اغراض  
 ملت نفس اغراض دولت و سلطنت باشد . و تمام آحاد

و افراد رعیت و اعضا و اعضاد دولت مساوی نفاق  
و اختلاف و محاسن وفاق و ابتلاف بر خورده بلکه  
هر فردی این معنی را وجهه همت ساخته و فریضه  
ذمت شناخته نگذارند هیچ گاه از هیچ راه شوب  
ذدیت و عیب بینونت و دویت فباین این دو عنصر  
که ترکیب این پیکر محترم و تشکیل این هیئت معظم را  
میدهد پدید آید - که خدای نخواستہ آنروز در رسد که از  
عدم موافقت و مدارات و زحمت منافقت و مہارات  
این عناصر پیکر سترک رو بضعف و هزال گذاشته تا  
رفته رفته دستخوش فنا و روال گردد و این معنی به  
تجارب ام در اوضاع عالم معلوم و مسلم افتاده و از عهد  
قدیم مرتع نفاق و شقاق و خیم بوده است - باری هر  
سجاعت و اهتمای که دولت میباشد باید نهایت قصوای او  
آسایش و ترقی و رفاد حال مات باشد و مات هر سی و  
کوششی میکند نهایت آرزو و آمالش شوکت و اقتدار  
دولت بود - و بعبارة اخری هر فردی از افراد اطاعت  
و انقیاد سلطنت و خیر اندیشی و پرورش مقاصد دولت  
را ضمیمه عقاید و فرایض دینیہ و نالی طاعات آلیہ  
شناسد - و دولت و سلطنت باس ناموس مات و شریعت  
و رعایت حق رعیت و اجرای قواعد عدل و داد و  
حفظ مال و آسایش و تقویم امور و اصلاح اعمال عباد را  
نخستین فریضه ذمت و برترین قصد و همت خود داند  
و این علاقه و ارتباط بدان درجه باشد که اگر مصیبت  
و آسیبی بر فردی از افراد امت وارد آید چنان خاطر  
دولت متاثر شود که گوئی بر هیئت دولت وارد آمده  
است - (نه اینکه دولت در عیش و عشرت از ملک و مات  
بجبر و از رعایای خویش بی اطلاع و از جمع و خرج  
مملکت غیر واقف باشد) و اگر نقص و فوری در کار  
دولت یا ادنی زیانی بمحوزه سلطنت و مملکت روح نماید  
چنان خاطر هر فردی از افراد رعیت متاثر و ملول شود  
که گوئی تمام آن ضرر و آلم بر نفس او رسیده است و  
این در وقت است که اعضای دولت و انسانی مات همه  
واقف و تارک بدین کلام در رظام باشند که (الذین

و الملك توامان - ففی از تقاع احد هما لا یر نفع الاخر -  
لان الذین اس - و الملك حارس و مالا اس له فمهدوم -  
و مالا حارس له فضايع )

### لسان الصدق

مجلس صبی ام

عطف بماسبق

انتخاب سفراء

لازمه هر سلطنت است که در پایتخت های دول و  
نقاط مهمه بلاد خارجه سفراء و وکلاء و کارگذاران  
بگذارد - و این خود یکی از امور مهمه بزرگ صلاحین  
صاحبان عزم و حرم است - دول بیدار سفیر و کارگذار  
انتخاب نمی کنند مگر مردمان با علم و حکم و کیاست و  
هوشیار و نکته سنج و نطن دوست مات پرست مختص  
دولت - چه آنها مظهر پادشاه هستند - و باینده عصمت  
و شوکت و قدرت دولت و عووه عدل و احسن سلطنت  
حافظ مات و راعی رعیت در خارج میباشد پس لازم  
است بر وزراء و وکلاء دربار که مردمان امین دیندار  
وطن و مات و دولت دوست را انتخاب باید - برای  
هر شهری در خارجه و نقاط مهمه لاره آنقدر که در  
صحت و دراء و اخلاق و عموم دگرشد برای سفراء لاره  
و احساس است - چون غالب مصالحه و محربه و مباحثه  
و مجادله با دول بوسط آنها میشود - و کارهای بزرگ  
که صلاح مات و دولت است بتوسط آنها بانجام رسد -  
که از مرداران لشکر شکر نه آید - پس سفیر و کارگذار  
بمیتوان فرستاد مگر محرب و متمجن بخته و از حمل و حسته  
و باخلاق حسنه و حسن بیت و علم و کیاست پیراسته -  
چون سفراء احباب را با دقت ملاحظه کنیم چنان نماید  
که در تدایر و حسن خدمت هر ملک لایق سلطنت و  
امارند آنها هم یکی چون سایر مردم بوده اند - تعام  
و تعلم و امتحان و تجارب آنها را بخته و بقوام امتدال  
سرشته معاصح دولت و مات نموده است - پس برای سفراء  
شروط ذیل لازم است تا شایان این خدمت بزرگ که اعظم

جميع خدمات دواتی است بشوند.

اول - نمایندگان خارجه دولت باید عالم باشند بعلم قانون و حقوق و فقه شرعی ملت

دوم - عالم باشد بزبان و باحکام قوانین آن دولتیکه امور بدنیجایمی شوند نه مانند مأمورین ما

سوم - باید از علم تاریخ و جغرافیا و هندسه کاملاً بهره مند باشند

چهارم درصنعت نقاشی و تحریر و نگارش تاریخ و جغرافی و خریطه کشی اراضی و جبال و مدن ماهر باشند پنجم - از علم ثروت مالی و تجارت و مبادله اجناس باجنب باید دانا و عالم باشند

ششم - در امور لشکر و سوق الجیش واقف و فنون حرب آشنا باشند

هفتم - قوام و دوام این علوم نافعه بسته بدیداری و پرهیز کاری آن مأمور که خدمت ملت و دوائرا جز عبادت شمرده و جهاد فی سبیل الله داند یعنی متدین و متشرف باشد نه اینکه علانیه در مجالس جانب شراب خورده بدان تقایید محس اقتضار جوید

هشتم - مطامع و آنگاه بعلم حقوق بین لدول باشد شاید باز پرس شود که این قدر علوم و صفات حسنه را کی تواند يك انسان دانا شده ملکه خود نموده عمل نماید - جوابش این که جمله اینها سهل و آسان است و برای هر يك از این علوم و فنون روی هم رفته يك سال تعلیم کافی تواند بود - با امتحانات و تجارب بنظارت و تعلیم حکماء و علماء دانشمند که اقل مدت تحصیل فنون جدید و عتیقه است چند نکه همسایگان میکنند و هر کس مشاهده کرده که آنها هم مثل ما انسان اند - پس بعد از امتحان و انتخاب بصفات موصوفه او را بایستی از منسوجات وطنی ملبس نموده و به بیت المهد دعوت کرده عهد و پیمان گرفته کا ذکر فی السابق - و معاش کفاف لایق آن محل که مأمور میشود برای او فرار داده و کتبی که ذکر شد از قوانین فقه و حقوق ملت و سایر فنون او را داده که بآن

عمل کند علاوه يك رساله مخصوص که در آن تکالیف سفرا و کارگذاران و تنظیم کار پرداز خانه نوشته و در آن حدود حدم و حتم و غواص و اجزاء کار پرداز میین شود مثلاً چند غواص و کاتب و نایب و ترجمان در آن مرکز لازم است باید باطلاع وزارت خارجه و وزرای دربار باشد که آن اشخاص که وجهه کاره بوده اند آنوقت معاش و لباس غواصان و اجزاء چگونه باید باشد در وزارت خانه مذاکره و موازنه شود - که در حد اشتغال قرار گیرد - و ترتیب کار پرداز خانه نیز باید بهندسته صالحه ترین و ترتیب شود - من حیث یرتق و کرسی و سرپر و میز و دفتر و لوازم کتاب و چراغ و غیره جمله آنها را از خزانه دوات پول داده صورت آن اثاث چنانکه در دفتر کار پرداز خانه قید است بوزارت خارجه ارسال شود - که در دفتر ثبت گردد تا هر شهیندر که در آنجا مأمور میشود بداند از کار پرداز معزول چه تحویل گیرد و در مدت مأموریت آن شخص هر چه از آن اسباب تلف و کاسته شده است بدل آنرا از معاش خود خریده یا تعمیر نموده کافی السابق تسلیم دهد به کار پرداز جدید یا بتایب اول شهیندر خانه و از او قبض گرفته محفوظ بدارد و اگر شهیندر معزول بدل اثاث مفقود را نخرد و تعمیر شکسته هارا نکند نایب شهیندر خانه بدون مدهانه از او مطالبه کند و اگر اجابت نمود از اجزاء کار پرداز خانه استشهاد نموده - با تعیین قیمت نواقص اسباب بوزارت خارجه رویداد دهد که وزیر خارجه از آن تحصیل نموده باجزای نقدی که خلاف قانون عمل کرده است و فوراً آن نواقص را تحصیل نموده ولو از خزانه باشد تا از مأمور اول تحصیل شود - و شهیندر که در جای خود مستقر شد بعد از تحویل اثاث شهیندر خانه و ملاحظه اجزای سابق زیاد و کم ایشانرا ملاحظه نموده منظم سازد و چند نفر از عقلاء آن بلد ناخر باشند یا ملا یا کاسب انتخاب کرده يك مجلس شورائی ترتیب دهد برای تصفیه بعض امور مهمه و مراقبه جات بزرگ تجارت

و غیره و لو در ماه يك روز آن اعضاء جمع شوند فوائد آن بسیار است و شهیندر تحریر نفوس تبعه خود را در آن بلد بنماید بتزئیدیکه در داخله شده است سپس تذکره بدهد بایشان بقیمت مندی که بر غبت گرفته شود - و در حین تحریر و دادن تذکره س و صفت و متر در آن دفتر نفوس درج شود صکه آن دفتر بدارالاماره رفته در آنجا مجلس مبعوثان بعضی صنایع و فنون نافه را ملاحظه کنند و شهیندر هر چندی يك مرنبه صبح و یا عصر سوار شده بعنوان فرج اطراف بلد و مزارع و محاصل ایشانرا ملاحظه کند بلکه باسم هواخوری بعضی قراء و کوهها و حدود آن مملکترا سیر نماید که در آن مدت چند سال که در آن جا مستقل است کما کیف اهالی و حکومت و قوه لشکری و محاصل و صنایع آن بلد را تدریجاً تحریر و بعنوان جغرافیای مفصل آن بلد بسوسد و نقشه بعضی اماکن مرور و کوه و برج و باره و تمام حدود آن محل و ماویهارا مجسم نموده در کتاب ثبت نماید که ارکان حرب باین گونه کتب بسیار محتاجند و هر چند سال که يك شهیندر يك تحقیقات جغرافی نوشته بارکان حرب داد آنوقت جمیع اطراف ممالک اجانب و جب بوجوب پیوده شده و محل فساد و صلاح آنها را دانسته در تهیه سدحجبات اجانب میشوند و هوالمطلوب بصیرت در هر امری مطلوب و مفید است ( فن عیسی محکبا علی وجه اهدی اعین عیسی سویا علی صراط مستقیم )

( من نتایج افکار جدید )

### مکتوب از بادکوبه

چند روز بود شورشیان که حنساء روسی بودند حلفیان کرده کارخانجات نفت و راههای آهن و کشتیهای تجارتی همگی از کار باز مانده بود و هر روز در طرفی حکامه بود و چند نفر قتل و جریح گردیدند - تا اینکه سوارهای قزاق و پیاده های - الدات از هر طرف وارد بادکوبه گردیده کم کم شهر را آرام و خالق را آوده نمودند - و بلوایشانرا بعضی عبوس و برخی مدوم و

بطرف (سبریا) کسپیل داشتند لکن اقرار معلوم ( این رشته سردراز دارد )

دو سه روز قبل جناب حاجی امین الدوله صد اعظم سابق بران با حاجی معین الملک فرزند ارحم دیش و حرمت الدوله حرم محترم حاجی امین الدوله و خیرالصافه که سینه شاه شاه ایران امین حضرت مظفرالدین شاه و حرم محرم حاجی معین الملک هستند حاجی از خدم و حشم و خواجگ سرایان با کشفی پست روسی وارد بادکوبه و بهمانحانه مشهدی حاجی دلال ف ایرانی نزول احلال و پس از دو روز ، یکشب توقف حرکت بمطرف (تمرخان نوره) فرمودند - زمان توقف بیشن کسانیکه زیارت آنحضرت نائل آمده دو سه نفریش بودند اول قونسل بادکوبه دبیرالمالک و آقا محمد حسین رئیس التجار یزدی و حاجی میرزا عبداحمد وکیل شرکت اسلامیة ایما نیز محض اجرای امور خود و برت گرفتن و دادن بود - جناب حاجی معین الملک و حرمتخواه در (تمرخان نوره) میمانند و حضرت حاجی امین الد له بطرف اوسنیا و حاک اطیش برای اصلاح مرج خواهد رفت بخروز است یکی از جاهای مذهبی هفت که از مال ( موسی نفی اف ) تاجر بادکوبه است آتش گرفته تا حال تخمین دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار منات نفت سوخته چنین شهرت دارد که این حریق از جانب شورشیان واقع شده است

حضرات انگلیسها که در اطراف آنزمین جاهای نفت دارند کمال سعی را در حفظ جاهای نفتی خود میکنند حاله بادکوبه پیشتر جاهای نفت و زمینهای معتبر را انگلیسها خریداری کرده و این نعمت با برکت از دست تبعه روس نا درجه خارج شده است

کشتیهای طومانیانس که دوفروند بود یکی (طومان) و دیگری (موسی آقا) با اسکله آن حاجی رین العابدین آقا قتی اف در چهار صد هزار منات و کشتی خریداری نمود. اقراره سموع (طومانیس) گفته بود بسکه بار وخواه از فرنگستان آمد و بجهت امنای دولت

ایران و بجاناً حل گردد خسته شدم - حساب نموده دیدم حال اولیای دولت سدوم بجهت من صرفه نداشت و همه روزه هر شخص شرم که از فرنگسهای می آمد یا از ایر - میرفت باید او را بجاناً بیسورم سهل است - سوزاک در کشنی او را هم بدهم ساجار رها کردم

نکارش یکی از خردمندان -

بپلم خود

ایران و ایرانیان

شماره ۲

پس در این فلات که ما افاده ایم اول باید تأمل و تفکر کرد که حال ما چرا باین مذلت و خواری نرسیده - و سبب چیست مات ما از فندان قوت و استیلائی امراس متبوعاً مایه هربت به هلاک رسیده اند - آبا تدبیری هست که این مذلت و خواری خود را در آریم و علاج امراس سعیه مات شود تا به - پس بر هر تدبیری که مشوره و رای دانایان - و ارگیرد اگر چه بظاهر در آن همان شخصی باشد بچون و دل بجای آریم و در اخنا و لثایه و ظامراً و باطناً تجاوز از آن نکنیم - ما تاریخ اقوم گذشته و موجوده را خواندیم که در عروج و رقی مال مخالفه دین و مذهب را مدخایت نام است و ماتی که پایه افکار را بر او هام گذاشته ترقی تواند کرد پس باید سرعت دفع توهمات غیر مسروع و معقول را از مات نمود

اما دانایان و عقلائی هر مات که معالم شرعیه را کابینی و کیف و کم هر مسئله را کاهی فهمیده و محکوم او هم بستند و عامه باس هم مطیع او امر آنهایند و دوست عاقل مات و مذهب خود هستند و بر سلم رقی صعود کرده و کم کم در علوم و فنون و صناعت و حرمت و زراعت و تجارت و دولت و ملک و مال ممتاز شده اند معلوم است این نکته را دانسته که شان و شکوه مذهب نیز تابع ترقی مات است - ماتی که علم ندارد تمول ندارد اتفاق ندارد شکوه و وقار مذهبش

نیز نیشم خلائق و ایادن مختلفه جلوه نخواهد نمود و کم کم و رفته رفته کسانی که به شدت و کمال قوت مخالف رای اینگونه عقلائی پیش بین بوده اند چون بر نتایج صالحه آن اطلاع بهم رسانند متفق و متحد خواهند گشت البته در این مخالفتها اگر ملت عموماً پیرو اقوال آنگونه مردم شوند و به دلیل و براهین نیز بر حقیقت حال پی نبرند علاجش نوع دیگر باید کرد و اگر در دو جماعت منقسم شده گروهی طرفدار ارباب ترقی و گروهی معاند و مخالف واقع شوند - باید دانست که عاقبت غایب برجاعه مدبرین علماء است و آنها غالب خواهند آمد چه حق بطرف همین جماعه است و ادله و براهین این گروه چون بدیهی و حسی است زود میلان طبیعی افراد مات ایشان را طوف خواهد نمود

هرگاه چنین اتفاق روی دهد و جماعت ارباب او هام که مخالفت ورزیده متدین باشند بی رعایت شخصی و بدون حیله به کمال عدل و انصاف ملاحظه خواهند نمود که آیا در گروه ما اینگونه مردم هستند که امور سیاسیه و معنیه را بطوریکه درین زمانه پسندیده است انجام دهند و از ضوابط و قواعد تمدن و سیاسی ملل مختلفه نیز آگاه و با اینهمه به سلامت و صحت رای نیز مسلم باشند آنوقت میدانند و می فهمند که بسط و کشاد امور سیاسیه ملتی را می توانست منظم با ضوابط و قواعدی بکنند که اسباب عروج و ترقی و رفاه و فلاح دارین مات به شود یانه - و درین استنباط لازم است اعانت و دیانت را بکار برند پس اگر هستند اختلاف برخاسته و الا این امور را برجاعه عقلا ارباب و سیاسيون مات وا گذارند و نگران باشند که در مقاصد آنان هم خلل و دارد نیاید اگر رخنه در آن شود آن جماعه را بدلیل و براهین واضح و نصائح شافیه متنبه بکنند و همواره از تحریر و تقریر خود معین و سعی در احرای امور سیاسیه و تمدن باشند که حقیقتاً قسمی از عبادت است

خلاصه - چون شخص ژاپونی ازین تقریر بر مغز فارغ شد همه تحسین رای و پرا گفته ظاهر داشتند که اولاً



چنانچه گفته آمد باید بدانیم که در حقیقت ملت در  
 حیض نزل و مذات و خواری هست یا نه؟ اگر هست  
 و ملت رو با انحطاط است باید غور و فکر کنیم که  
 آیا می توان از عهده تدبیر و علاج آن بر آئیم یا نه  
 بعد از رد و قدح بسیار آراء بر این قرار گرفت که  
 اینهمه نزل و خواری ملت بسبب جهل است باید  
 به تعالیم و تربیت عموم افراد علاج آنرا کرد ولی تا  
 ندانیم که اصول و طریق ترویج تعالیم عمومی در مال  
 متحده بجهت هیچ است ما را نمی رسد که اقدام در آن بنائیم  
 عاقبت بر آن شدند که از خانواده سلطنت و امارت  
 نوجوانانی را که در فطرت و طبیعت ایشان قابلیت تحصیل  
 علم و کمال یابند به ممالک مختلفه فرنگستان و امریکا  
 برای تعالیم فرستند - چنانچه پانزده نفر را از خانواده های  
 بزرگ در ممالک انگلستان - آلمان - روسیه - امریکا -  
 فرستادند و اینها بعد از مضي چهار سال دانا به  
 روش و قانون تعالیم گردیده مراجعه به ژاپون نمودند  
 و در مجالس عمومی آغاز بدادن نطق های مفصل و  
 خطبه های عریا بر فوائد علوم و فنون معاشیه کردند - بعد  
 از مرور شش ماه با شوق زیاد و شغف بی نهایت  
 چند دارالعلوم و بسیار مدارس از سوی و مخارج دولت  
 و عموم ملت (که هر يك از افراد ملت بطریق شریک  
 به رغبت تام ادا کرده بودند) افتتاح شد و مصنفین ژاپونی  
 و علمای آن ملت را که عالم به علوم و زبان فرنگستان بودند  
 بانواع تشویق و تعالیم و قدرشناسی بر آن داشتند که رسائل  
 مختصره ابتدائی را در هر علم و فن از زبان فرنگی بزبان  
 ژاپونی ترجمه کنند - و درین درس گاه ها بطرفی که در  
 فرنگستان دیده بودند از قواعد و ضوابط و دیگر  
 ضروریات مثل انتخاب مدرسین و نگاهبانان اطفال به همان  
 نهج عمل کردند و خود رائی و کج روشی و نفاق و  
 دیگر رذائل اخلاقی که در اسرا و رجال دولت بود  
 گویا از خاطرها محو گردید - امور سیاسیه و انتظامات  
 ملکیه را نیز با قانون و قواعد و ضوابط منضبط کرده  
 برای هر کار مجلسی خاص بنا نهادند و آن عمل

را در تحت اداره آن مجلس وا گذاشتند که با همه  
 آزادی باز محکوم مجلس فوق خود باشد - شاه یز چون  
 عاقل ترین مردمان آن سرزمین بوده مجلس شورای  
 مشتمل بر بزرگان ملت و دانایان علمای روحانی متر  
 داشته در تحریر و تقریر (ولو آنکه خلاف رای خود  
 شاه بود) هر يك را آزادی مرحمت شد - مدت  
 يك سال بالغ بر صد روزنامه در ژاپون جاری شد  
 كه همه در زبان ژاپونی بود و از نقائص و عیوب  
 دولت و ملت بلا ترس و بیم خبر می دادند بعد از  
 مرور هفت هشت سال اطمینان تعالیم یافته چون از  
 تعالیم و تربیت فراغ گرفتند و سند کامیابی بدست آوردند  
 دولت متوجه گشته هر يك را در اداره به موجب  
 هنگفت ملازم گذارد - رفته رفته بعد از پانزده سال  
 کار بجائی کشید که عموم ملت حتی شعر باف و قصاب  
 و دلاک و بانوا و گادر و قناد و آهن گر و دروگر  
 بعبارة آخری عموم اهل پشه بعضی مختصر از رؤس  
 مسائل علوم و فنون حدیده و بعض تا بحد کمال دستگاه  
 پیدا کردند - و در عرصعت و حرفت و تجارت برقی  
 نمایان و در قیل زمان از سرمایه که به پنجاه میلیون لیرا  
 میرسید کفنی ها از اقسام تجارت و صناعات ملکی باز کردند  
 هنوز از آن مجلس شورای اولی (که شخص ژاپونی ابراد  
 بر معلم روحانی گرفته بود) چهل سال کامل نه  
 گذشته - شاه همان شاه است که در آن مجلس حاضر  
 بود - اول حکمش مثل حکم قضا ناطق و تحت ضوابط  
 و قواعد نبود - اما چون دانا و ملت پرست بود با  
 اینهمه آزادی که مر او را مسلم بود همواره درین عم و  
 غصه بودی که مخالفت ملت را از دولت و دولت را از  
 ملت که بسبب جهل بود دور نماید امروز باینکه پادشاه  
 ژاپون محکوم مجلس شوراییست که خود معین کرده و  
 نمی تواند از ضوابط و قواعد و قانون آن تجاوز کند  
 و در حقیقت يك گونه مقید شده در نهایت شادمانی و  
 عزت و اقتدار و آرامی است  
 در ازمنه اولیه اگر چه بنام خود را شاه می خواند

ولی در حقیقت رتبه و اقتدار او مثل بعضی راجگان و نوایان هند بود (که يك گونه در اجرای فرمان خود مختار اند) ولی امروز او را جمیع دول بزرگ فرنگ شاهنشاه میخوانند

در ایام جهالت معبد های ایشان پدید شد و شکسته و پشته و بوقیقات مذهبی شان غیر منظم و نعلای منین آنها برای اقمه نانی مصطرب و حیران سیاحان فرنگ بر رسوم و عادات و اوامیر آنان ختمه بگردید اما حال که نعلم و تربیت در ایشان عمومی شده هان سیاحان و روح و ثروت ایشان حیرت کرده معاند آنها از صنعت ایشان از جمله عمارات مشهوره دنیا و فوقات مذهبی آنان صورت تر از جان های روحانی هم منازق و صاحب عسرت و افتدای و عامه ناس نیز ماحول و با علم و سادگی و هز اندک با این تازگی ملک که غالباً نصف ملک ایران است و ناخاش از دول مشهور فرنگگان کمتر باشد و رعایت و سلطوت او بر قلوب ده - سودشمن جاگزین شده - گذشته برار دنیا قوت نامی و مروت و عسکری و مالی و اتفاق و اتی نسبت به اول از فاضل است و بیره ی در قواعد حفظ سخت قوای حصار و تندستی ایشان هم فرقی عظیم نداشته - هر فردی از افراد عاشق مات و دوات خود است در کارهای نامی تقسی نامم منطبق آید که مال منمنا فرنگ و آن ها حسد می برند و نمی توانند کاری از ایشان بود این بود شما در احوالات عروج و ترقی مات فرمایه ژانور که منحواسم برای عزت ایرانیان بان نامیم

پس ای ایرانیان عبور هر آنچه گفتنی بود گفتیم و هر چه مردمی بود شمریم انصاف دهید و از راه صدق و صواب و تسامح دوستان منزحر شوید این چه رفتار است شما دارید و این چه راه خلافت است که اختیار کرده اید -

می گویند و حقیقت هم دارد که در عروج و ترقی مات قواعد مذهب و روحانیت آن مات نیز دخل نام دارد -

ولی اگر مذهب مانع عروج و ترقی باشد از وسایس و اوهام باطله است ( کبریت کلمه مخرج من افواههم ان يقولون الا کذبا ) هیچ نقص در قواعد مذهب شماها نیست مذهب اسلام مؤید جمیع ترقیات ملیه و دویاه است سبب تنزل شماها همین رفتار و کردار و فساد اخلاق جاهلانیه میباشد مسئله بزرگ شریعت اسلامیان ایران که دین و مذهب آنها بر آن موقوف است هانا اجتهاد و تقلید میباشد که منتهج به هزاران خیر و برکت و عروج و ترقی است در اجتهاد و استنباط احکام دینی و دنیاوی مذهب شیعه لحاظ پنج امور عظیمه شده قیاس ، اکه کاشف قول نبی و معصوم باشد داخل و کرده عقل ، اسحت شرعی می دانند و همواره از تبدیل مکان و اوقات ، غیره مقدمات تبدیل احکام نیز می شود . مرد عالم فقه محمد دارای قابلیت ها و علو بسیار که عمده آن سیاسی است میباشد همین نکته در تحسین شریعت شما کافی است و اینهمه تنزل و حفضیض شماها از فائض عقول و سوء اخلاق و اوهام نفسانیه است و پس

ای ایرانیان - وقت کار است نه موقع خوابوشی و خود رأی - وقت نعلیم و تربیت عموم افراد مات است نه خود غرضی سخن ناصحان را غنیمت شمرید چشم بکشاید و عقب سر و جلو و راست و چپ خود را قدری به بندگانهای سیاسی و نامی و شخصی خود را منظم و باقاعده بکنید و امثال حانوران و حشیر یا شتر بکه مهار ندارد آواره نگردید تمام و تربیت اجباری را در جمیع افراد مات خود رواج دهید و زر و مال و جان عزیز را ایثار این خیر همیشه بکنید که نوابش پیش کارهای مذهبی و دینی و دنیا و بست - جهد کنید که ثروت و ثمرل شما در ملکاتان باشد و مداخل شما از مخارحتان زیاد شود روز نامه هارا بکثرت و ارزان تمام کرده در هر بلد و قصبه و قریه جاری کنید و مصنفین دانا و خبیر و مدبرین بینارا ( که از خود شماها باشند ) جویا شده از بلاد بعبده و ممالک مختلفه طلب دارید و

در تحریر و تقریر ایشان را آزادی داده مطمئن فرمایید. تا بر جان و مال و عرض و ناموس خود از شایم نداشته جاده موصل الی المطلوب را بشاهها بنمایند. و محض باسم اینکه فلان فرنگی یا چینی یا تاتاری است حرف صواب او را بگوش تحمیر نشوید که عن کوتاهی فهم و خود پسندی و کبر است - حضرت امیر اعظم اول شاهها میفرماید (انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال) و بر تحصیل و تقلید امور مسامحه مستحسنه اگر خلاف دیانت نباشد (ولو در کفار بیاید) همت بر کاربرد که باز همان حضرت میفرماید (الحکمة ضالة المؤمن) سخن بسیار - حیث که وقت و محل مفاضی تفصیل و شرح بیست و (ما عینا الالبلاغ المبین) راقم خبرخواه ایران و ایرانیان مسبوگ کردن فراسوی ام - ال - جی )

### شبهه از شرح پانیک و خیالات

آقامیرزا علی اصغر خان صدراعظم معزول ایران

(نمره ۱)

چندی قبل بذریعه یکی از خواص و محارم انابك عنوان ذیل بداره رسید چنانچه در جبل المین نیز آغاز بنگارش شد - چون تکمیلش لازم بود تکرار آن جمله نیز مانند قند مکرر لازم آمد - و عات عزل انابك هم ضمیمه این عنوان خواهد شد

بر واضح است که او این وظیفه جبراند مایه که خدمت باینای وطن و ملک و مات خود را مدعی اند آشکارا ساختن نیک و زشت - قبیح و حسن افعال و کردار و خیالات و خدمات و خیانات اولیای امور جمهور است - نازشت و قبیحتش سرطانه ابتداء و عبرت - نیک و حسنش سر مشق و مورث تشویق متکبران آن مسند گردد

مؤیدالاسلاما - خدایت زیاده بر این تانید بخشاد بر شخص عالی روشن است که چنانچه توبه هر عمل به نحوی خاص است - شکر نهی باری تعالی نیز هر يك بطریق مخصوص میباشد - شکر دولت پندل

و احسان بقرا - شکر علم نور بخشی و فیض رسانی بجهلا - شکر طلاق زبان نصیحت و موعظت - شکر سلطان عدالت - شکر قوت دستگیری زبردستان و غیره - و غیره است - اما شکر نهی خداوندیکه بجنابت داده از قبیل قوت قلم - حسن بیان - اثر کلام و - و - آن است که چشم از حقوق مات و دوات نبوشیده حق را نگویید ولو حق نایبندان از شاهانه بسندند - يك چندی دیگر که بگردد اوراق جبل المین کتب مقدس بشمار آید و صفحاتش مانند معلقات سببه شود - مجسمها برای شاه و امثال شاه نصب نمایند شاهها را خیرخواه و حامی وطن خطاب دهند - و هرگاه ترك مسلك حق گویند - و بر خلاف شیوه دیرینه بویید کفران نهی خداوندی کرده در پیش خاق گناهکار و نزد مخلوق بی اعتبار خواهید گشت

گذرد این روزگار تاخیر تر از زهر

بار دگر روزگار چون شکر آید

دوره معارف کمان سر آید - و دور معارف بژوهان بروی کار - بهار استبداد را خزان رسد - و گلستان عدل و داد را خرمی - الله الله رك راستی مگو و در شیوه دیرینه بپوی - در گفتن آریست که در نگفتن نیست

لذا میگویم - انتخاب ولات جهت ممالک و رؤسا برای ادارات در کشورهاییکه تحت اداره قانون میباشد و مصالح امور در زیر نظر دقت مشورت خانه نیست که با آزادی افکار بدون بیم بازخواست گروهی از دانشمندان لوازم تنظیم و تأمین ممالک را بزیر بحث کشیده - ما حاصل آراء صاحب مشورتخانه را برای تربیت انشاء وطن و ترقی ملت و شوکت دولت بمرض اجرا گذارند - مزوط برای صدر اعظم آن ممالک است

کتر دیده و شنیده شده همتکه اختیار ممالکتی بدون تعیین حد و تحدید قید با عدم خوف از بازخواست و مجازات بدست يك تن افتد نسیانیت بر کنار گذارده خیر مات و دوات ملحوظ دارد - تا منافع خویش

را بنز و حاتم محمود موده ما - در جبین تک  
که صدر اعظم خود را با دست کشد بدون معارس  
و مدتی بر روی سینه فرمائی ممکن است و  
تمام موانع - و مدد و - تا ساعت  
در ایام - در پرتی در میان حوض  
هر روز - هر روز - هر روز - هر روز - هر روز - هر روز  
عبارت شود دولت و ترویج دولت - دولت - دولت - دولت - دولت  
در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز  
با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز  
در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز  
با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز  
در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز  
با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز  
در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز  
با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز  
در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز - در هر روز  
با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز - با هر روز

باج در کج باک و کشیدن چرس و تریک روری  
شب و شبی رور آرد -  
پس ما حاج حر و گرانى سر ار سرب عقار  
برای فرودن سردرد سانسنت - و تحمیل مار زنج و  
حاجت دولت چون در انگان به سگاه در انگان شتابد  
و نام در مکان آزادگی گادا - تا واعدی که شب  
دهی کا کاشا تا حدیکه سادت روس داده امر  
نوشی د و حکم نسایم - امضاش راند  
ارجو استدی که با ارم آمد و بر این اوراق  
بگر با بر - که در کن تکم عقل حوط تکوت و قوت  
دولت را - در طب خواهد تا احرام استلب اقتدار  
دولت استالات مملکت حررت است با فدای مایع  
ممکنی و اسرار استانی حوش سارد - و حمله را  
نشوژ حامی هرزه و عرقه ماری کیده فروشند) در  
هماره سواها و هراس و بدون تشویش و وسواس  
علی الرؤس گویا و حر - مباحر حوش شہار - که من  
سات و دولت و سحاب و بادشاه و رعایا را برای  
نفوذ خود و کامرانی خویش میخواهم - به خود را از  
برای خدمت سحاب و استلال دهات و ثروت و حریت  
ما و آبادی تک و این شعر حواحه لسان العیب  
حفظ شیرازی را مکرر خواهد

وقت را سبب دان آنقدر که بتوانی  
حاصل از حیات ایجان یکدم امت تادانی  
مگر دیوانه ما از خرد بیگانه است که برای دوران  
امور بطوری لایق - و جریان اعمال طرزی شایق -  
بادارات رؤساء معرض دانشمند دولت پرست وطن پرور  
ما خواه پادشاه دوست گیرند - و اداره مصالح اد  
و حفظ و نظم لاد را در کف کفایت سران ستزکو  
مهان محتسم بررک گذارد - که آنگاه کفایت آمانی کفایتی  
وی بوی عرصى اشان خود عرصى او - و دولت حواهی  
وطن پروری - ملت دوستی - پادشاه پرستی شان  
خدمات - فساد عقیدت - پستی و لغت - کخی رویت -  
بیدرستی - تن پروری - و کامرانی او را مشهود و

معلوم قازد - و در معرض مجازات و بیاستش کسانند -  
 بآنگاه بناچار از این مقام منیع و جایگاه ، فسخ کناره  
 و کرانه گزینند - و دوجار مکافات کردار و رفتار  
 بخردانه خویش آید - و بیند کيفر کردار خود را و  
 نامی نماندجاری و نابکاری را - وقتی که چنین شخص  
 باید انتخاب وزراء کند - و ولات بمالك رواه دارد  
 کسانی اختیار کند و مردمانی بفرستد که سیآت اعمال  
 و رذائل اخلاقشان پرده استنار بر کردار بدورقار  
 ناشایست و گفتار نابایست او کشد - و او را مردمان  
 منفور - و سالوسان مزدور - بفضائل هم - و محاسن شیم -  
 و اخلاق پسندیده - و کردار سنجیده - بزرگ مهر  
 زمان - لثمان دوران - حاتم دهر - ادهم عصر -  
 شهانند و شناسند - آستاش را جایگاه کروبیان - و  
 یاسباش را ملائک و روحانیان دانند - و چندان او را  
 عظمت و عصمت - و کرامت و پاکی بجای - و  
 یکی فطرت - و انسان دوستی - و مدنیّت و تهذیب  
 اخلاق - و شهامت - و ادب - و مردمی نمایند -  
 که در نظر ککونه بینان مدرجاً ربّالوعی ارتقا،  
 جوید - در این وقت او مادون خود را چنان بلوث  
 خیانت و روث رذالت - آلوده کند که هر يك از وزرا  
 از نقطه طمع - و شرامت طبع - و پستی فطرت - نظر  
 کنند - او را در فراز آسمان مکارم بدر رخشان -  
 و ماه تابان بینند - و بیچارگان ندانند که کیست - و از  
 برای چیست - این استعلاء و ارتفاع چگونه او را دست  
 داده - و جلال بان شعبده و نیرنگ خویشان را  
 آرایش کرده تا چند گاهی باسایش کامرانی کند - و  
 لذت شهوت رانی در یابد - گاهی که رئیس دایرة دولت  
 و نماینده اول ملت شخص مقدس پادشاه رفتار و  
 کردارش را پی برد - و اصلاحش را وجهه همت سازد  
 چنان از چهار طرف و شش جهة خرابی به بنیان  
 مملکت و دولت و ملت رساند که نویم و اصلاحش از  
 چیزی امکان بیرون باشد - کترین دوا بچاره این درد  
 میدرمان در این هنگام ویرانی و اضمحلال و انقراض

است - پریشانی و فقر چنان هیئت ملت و مملکت را  
 فراگیرد - و - جنه جسم دولت را در چنگال آورد - و محیط  
 گردد - که احدی بهبودی این مرض را در خاطر  
 نگذراند

مملکتی که رؤسا و ولات آن دست پرورده اینگونه  
 حرکات ناشایست باشند از کجا و چگونه براه اصلاح  
 روند و در شاعراه تمدن قدم زنند و بادیه - هرل در  
 نوردند

وزیری که در کوحکی .. می و در بزرگی نوادی  
 برای او کند - در احراء حکم می و نفوذ امر او  
 منزله انگشتر گردان و آب روان است - کی تواند خیال  
 بهتری نماید - و روزگار بهی طابند - و با چگونه تصور  
 کند که اهالی مملکت که - عیبت بادشاه و همجنسان اویند  
 از تحمل انواع سختیهای طاقت فرسا ناآتش اندر آند - و  
 بشعورانه میسوزند و چاره کار نمیدانند (باقی دارد)

### ترجمه از روزنامه استیسن

مورخه بیست و ستمبر سنه ۱۹۰۳

روزنامه استیسن که معتد برین روزنامجات  
 انگلیسی کاکته و روزانه نافع بر پنجاء هزار سجه  
 طبع و توزیع می شود بدین عنوان مینگارد  
 خبرهاییکه از روسیه وغیر در ماده اغتشاشات  
 ایران رسیده میباشد که اختلاف و اهلاب عظمی میانه  
 شاه و رؤسای روحانی شیعه بریاست - علای شیعه برای  
 اصلاح امور مملکت و ملت اسلام رجال دولت ایران را  
 متنبه نموده اند که اگر از احرائی امور غیر مشروعه  
 باز نیسایند سلطان عثمانی را در نگاهمداری قوانین  
 شرع و حفظ استقلال این سلطنت اسلامی خواهند  
 توانیکخت

### ترجمه از روزنامه نیوریومیای روس

روزنامه نیوریومیای روس که اخبار نیم رسمی و  
 زبان حال وزارت خارجه روس میباشاند و در  
 پترسبورغ روزانه بکشد و چهل هزار نسخه طبع و  
 توزیع میشود - عنوان ذیل را مینگارد



در طهران اکنون آسایش حاصل است - ولی در زیر این آسایش آشوب پنهان - و کم کم در آشکار شدن است - سبب بزرگ این آشوب از کاغذ هفت است که مجاهدین آزادی و نجف بشاه نوشته اند

در این کتاب مجاهدین بزرگ شیعه چنین میگویند که در ایران - و ای شهیر اسلام - جدیدین - است که اداره امور مملکت از قوای اسلامی خارج شده است - و رفته رفته مملکت را به بیگانگان تسلیم میکند - مسلم است که اینگونه حرکات از پادشاه مستقل یک مملکت نشاء - و این را نباید فراموش نمود که پادشاهی سها و حوس سها بر تخت ایران از مساعی حریفان ما بوده - و ... و همچنین این مساعی در ... سها نیز تمکن است - عری گردد - اگر ترک ایران کارهای ناگوار شود - بجهت می در دست سها ... در ... سها خواهد شد

پادشاه ایران از سبکوه سحران بر آشفته و پریشان شده جواب سها را بدن هیچ داده است

آقایان - سها در دیباچه مکتوبان از استقراس روس بعرض - و از سیاحت دوره من برویا بمن بکته گیری بیکید - در جوابش بشاه میگویم سبب این استقراس حفظ مملکت عمومی مملکت ایران - و سبب مسافرت من هرگزستان ... خاندانهای من ... در زمانند امراس در وجود من مانع از اداره امور مملکت است - علاوه بر این اس گونه کارها از خصایص من است و بدحق مداخله در این گونه کارها ندارید چه اینها راجع بر من است

از جواب سها علای کرمان و نجف بر آشفته بپدین بزرگ - جواب دوم را چنین بشاه دادند پادشاهان - اگر روح اینگونه عوائل از مملکت ایران برودی نشود از شرع و بسط و استمداد مملکتان - ثانی در حفظ استقلال ایران انجا خواهیم بود

مخبر روزنامه مزبور در طهران - چنین میگوید

(اگر عداوت قدیمی سنی و شیعه را در مد نظر آورده و از طرف دیگر استیضان علای بزرگ شیعه را در خاک بغداد ملاحظه کرده و چنین جوابی از علای شیعه بیادشه ایران داده شود خالی از و سبب و نیرنگ عثمانیان نخواهد بود

مدیر روزنامه در پتربورغ هم فکر خود را مزید بر فکر مخبر خود در طهران کرده چنین میگوید ( و سبب های که عثمانیان در مقدونیا بر ضد ما بکار برید عینی همان و سبب و نیرنگ بازم - را در آسیای وسطی و مملکت ایران در اتحاد اسلام بکار می برد - آبا کثرت مهاجرت مسلمانان از ( قریم ) نیز داخل این وسایس میباشد بانه )

### حبل المتین

روزنامه جان خارجه که اینگونه عاوین را موضوع بحث کرده گاهی را کوه و قطره را دریا جلوه میدهند - مبنی بر اغراس سیاسی میباشد که مفادش ( هر که نقش خویشتن باند در آب ) است

اصلاحاتی که علای اعلام کثرتناهم از دولت خواسته و اغتشاشاتی که در مملکت ایران واقع شده میبشس همان بود که در روزنامه حبل المتین نگارش یافت - علای اعلام شخص خیرخواهی دولت اسلام و شخص پادشاه بل خانواده سلطنت بر حسب تکالیف شرعی خود رفع مناسد را خواسته - مؤسس جمیع این خرابیها را صدر اعظم ظاهر فرمودند - چنانچه در تلگراف اول خود بکنانه ( ابانج من التصريح ) عزل ویرا محض بقای استقلال سلطنت اسلام خواستگار شدند - علای اعلام هیچگونه مخالفتی با شخص پادشاه نداشته و ندارند بدو رفع جمیع غوائل بعزل صدر اعظم میشد - ولی نقداً بعضی اصلاحات دیگر هم لازم اقتضا است - چون مخرب جمیع خرابیهای ایران و مؤسس تمام برادریهای مملکت و سرمایه کلیه مبیانات رؤسای روحانی و دولت صدر اعظم بود - و بحکم علای اعلام معزول شد - امیدوریم ازین و بعد اختلاف تازه احدات نشود -

و کم کم آشوبهای اولیه روع شده - دولتم بیدریغ پاس حرمت قوانین شرع را نگاهداشته - حقوق ملک را تسلیم نموده اتحاد ملت و دوات برقرار ماند روزنامهجات خارجه آنچه را درین موضوع نگاشته و مایده ایم تا يك اندازه بیرون از صحت و خلی از صداقت و مشوب بافراض سیاسیه است - چه آنان در سایه اغتشاشات اندرونی ما - و بیرایه اختلافات ملتی و دولتی ایران - میخوانند ابواب بهانه را بروی خود باز دیده - هر قسم میسرشان شود - تصرفات غیره شروع در ملک و مات ما نموده - شاید بمقصدی از مقاصد تجارتی و سیاسق خویش نائل گردند

خداوند اندک فراست و دولتخواهی برجال دولت ما مرحمت نماید - تا اندکی بمکاید همسایگان پی برده - پیش ازین دواتخواهی را شمار نموده - خود غرضی را کنار گذارده مات را زاید بر این خوارو ذلیل و جاهل و بیاطلاع نخواهند - و تیشه بر ریشه معارف نرسد اخبارات مزبوره بعضی عناوین را افترا زده - و برخی مضامین را باغراق نوشته اند - از عنوان تکراف علای اعلام که باعلیحضرت شاهانه و حضرت ولایت عهدزده بودند - ظاهر و هویدا است که علما، اعلام باشخص شخص سلطنت طرف نموده - جمیع مفاسد را از (صدر اعظم) دانسته و قطع دست او را از دامان دولت اسلام خواسته بودند - البته از رده هایکه (صدر اعظم) در حضور شاه گفته - و القای شبهه که به بادشاه درین مواد نموده - و سکوتی که بادشاه فرموده - اندکی آزرده اند

توجه علای اعلام در ماده اصلاحات ملکی و ملتی به بابالی عثمانی شاید مقرون بصواب نباشد - چه بمحمدالله علای اعلام را هنوز آن قوه و قدرت خداداد موجود است که در معاملات ملکی و ملتی و دولتی ایران هرگونه تصرفات متروعه بخوانند بدون تأیید دیگری بتوانند نمود - زیرا که افراد ملت حتی رجال دربار (آنهاشکه متدین اند) همه متولد و بیرو احکام این بزرگوارانند - قشون دوات بجهل معتقد و مقلد علایند - تمام طبقات رعایا از مرصنف بیرو شرع و عادت شرعی را همین بزرگواران میدانند

علاوه شخص پادشاه متشریح و در امور شرعیه مطیع اوامر این هادبان دین مبین است - یکصد و چهل مایون نفوس شیعه که در لوان و سایر اقطار عالم منتشر اند در همراهی و تأیید و اطاعت علای اعلام (حکومت نواب عمومی حضرت حجه الله بخت الله فرجه میباشند) سر در ~~حکومت~~ مطیع و منقاد آند - ایران را مانند سائر ممالک و مات ایرانیه را چون مال دیگر تصور نتوان کرد - چه همه يك مات و مذهب و اطاعت علای اعلام را مانند سائر فرایض شرعیه فرض و شرط صحت حج عبادات را بیروی از احکام آن بزرگواران می شمارند حکمی که حجه الاسلام میرزای شیرازی نورالله مضعمه منفرداً درباره ترک استعمال دخانیات فرمود - و اطاعتی که جمیع فرقه شیعه از آن بزرگوار نمود - دال است بر اینکه علای اعلام ~~کثر الله اشکالهم~~ در تصرفات نامور ملک و مات ایران محتاج باعانه دیگری نمی باشد و آن بزرگواران را توجه بدوات دیگر در معاملات و تصرفات ایران ضرورت نمیباشد

یکی از موقهین همان ایه از ما ایران بدوستی از دوستان چنین بوشه بود - اهالی از قسیه ~~تباکو~~ برآشفته قصد هجوم باریک دارند - صدر اعظم (که در آن زمان بزرگواران فساد بود) سرداران قشون ساخلوی طهران را طلب کرده تابع نموده که هر گاه رعایا باریک هجوم آرند سرباز باید شایک برآها کند - سرداران عرض کردند ما تابع امر را بافواج مینایم - ولی چون قاطبه مسلمانند - گمان نمیرود سر اطاعت و انقیاد بدین حکم نهند - چه تصور جمیع افراد ملت بر این است که سر پیچی از حکم حجه الاسلام میرزای شیرازی (اعلی الله مقامه) محاربه با امام زمان علیه السلام است بالجملة - سرداران تابع امر نموده جمیع سرباز تفنگ ها را ریخته مستعد بترک خدمت شدند - چون کار را بدینحوال دیده اصلاح امر را در التجهاء به حجه الاسلام میرزای شیرازی دیدند - و بمجرد اشاره میرزا هم ملت آرام گرفت - وهم رفع غایله رزی شد همان عقیده که ملت ایرانیه را در باره حجه الاسلام

میرزای شیرازی - در اوده همین عالمی عصر حاضر  
 کثرتاً مقالم نیز - آتوقت فقط حکم یکدم میرزا  
 بود - امروز تقریباً حکم جمیع عالمی اعلام است  
 پس این که طاهر ندارد که توحه عالمی اعلام  
 کثرتاً - عیبه اسلامیه عیبه و سواد بیرون  
 است - عالمی اعلام قوای روحانی خود را  
 در اسلام گوید مانند که آنچه تبدیل و تغییر و  
 اصلاح در امور ملک و دولت ایران بخواند بدور ناید  
 حرجی میتواند نمود

فرصتاً اگر عالمی اعلام عالمانه معمولیها سپردند -  
 و نامه قنات تجارت خارج حکم دهد - دولت نا  
 کدامین اقدار که خارج از آتدات ما باشد میتواند  
 مالیات از رعایا وصول کند - و با کدام یک از تجار  
 - رت در اقدار به تجارت خارج خواهد کرد - در  
 سرتیبه قوای روحانی و اقدار ساری اسلام بدین درجه  
 شد جا احتیاج به آید دیگری دارد

براز - سرت و شده است - که تقریباً اگر  
 اقدار را جمیع معامین روحانی مال روی زمین اعم بر  
 زمین و عمر متعین دارند - تا آنکه سیصد سال است  
 مول ملک در اقدار خویش همه گونه مسامحی حیله  
 نگار برده و می برد - بار همه روزه قوای رؤسای  
 روحانیان مرتب و حقوق بر آنها حاصل می باید - عات  
 اینکه کبر اختلاف که من شان شنیده میشود آن است که  
 از روی یک قاعده صحیحی وضایع دولت زمین -  
 کالیف است محبود - میزان تصرفات رؤساء روحانی آشکارا  
 شده - حقوق مات که هوالمطلوب آنها برسد دولت در  
 یا از کلیم خود دراز میدهد رؤسای روحانی تقصیر در  
 درهای دوانی معاسه نمیناسد - و عمرگاه غیر ازین بود اقدار  
 رؤسای روحانی در فرنگ پیش ازینها جالب انظار میشد  
 صدر اعظم دولت انگلیس با آن حالات قدر فرصتاً  
 گر صد دیار حسب راجعه خود را بکالت فهماند -  
 امراد مات از هر حیثیتش می اندارد - با این اقدار مات  
 و محدود اختیار ارکان دولت هیچگونه ضرورتی در  
 اقدام رؤسای روحانی پیش نمی آید - با این همه در  
 هر مقام که رؤساء روحانی عیسویه اقدامی نموده ولو  
 جمیع دولت بر خلاف آنان متفق شده از عهد بر نیامده  
 و کاری از پیششان نرفته است - حق این است که

باید بر مسالهی گره کرد -

(باب) رؤم رئیس روحانی فرقه رومن کاتولیک است -  
 علاوه بر اقدار و نفوذ و ریاست نامه که در نصاری  
 دارد - امروز تمام سلاطین فرنگ با آن عظمت و جلال  
 در منتهای اقتضای سر با ستایش می نمایند - شرح قبول و  
 تعمیل مراسم و احتراماتی که پادشاه انگلستان در ملاقات  
 باب متوی چند ماه قبل نمود - هر کس اخبارات خوانده  
 میداند

درباره برود کشیشان انگلستان در ماده قتال و  
 حدال مقدوسا و قتال عیسویان از (مستر انور)  
 صدر اعظم دولت انگلیس باز خواست نمود - وعادت و  
 سب رسید (مستر انور) صدر اعظم با کمال احترام و  
 منتهای ادب - جواب عرض کرد و کیفیت را حالی نمود  
 در اقدار رؤسای روحانی فرنگ همین نکته کافی  
 تواند بود - که چهار نفر کهنش های عیسویه در حایه چند  
 هر بصرا میاں نومی چین - سلطنت دولت آسمانی را با خاک  
 یکسان کردند - و جمیع دولت را خواه بخواد ما تمام  
 قوت بدان صوب کشیدند ( اگر چه سیاست دولت نیز  
 مقتضی هجوم بر اقصای شرق بود - ولی ظاهراً آنچه شد  
 از اقدام رؤسای روحانی آنان بود ) اگر مثل اسلام  
 شراب در مذهب نصاری نهی - و تسلط کمار  
 بر مسالین حرام بود - و جمیع دولت متفق می شدند  
 می توانستند در اروپا چونانکه در ایران رائج است  
 رواج دهند

با اینکه اقدار رؤسای روحانی مات اسلام خاصه  
 فرقه شیعه از روی شرع انور از جمیع مذاهب و ادیان  
 بالاتر و بیشتر تسامح شده - معذات محض انزوا گرفتن آن  
 بزرگواران اقدارشان از جمیع رؤسای روحانی مال  
 و مذاهب دیگر کمتر شده است

هرگاه جمیع دولت فرنگ متفقاً میخواستند یکی از  
 رؤسای روحانی خود را که درجه فضل و تقدس و  
 نفوذ و روحانیتش در آنها با اندازه حاجی میرزا حسن  
 آقا امام جمعه تبریز بود - بگناه اجرای یکی از احکام  
 دین مسیح با این اقتضای از تبریز اخراج میکنند  
 نمی توانستند ای خاک بر سر ما مسلمانان یاد

از انزوا و گوشه گیری و اکتفای به بیان چند  
 مسائل شرعی و تدریس علوم دینی و ترک تصرف در

امور ملك و ملت و دولت - بای محقوق علمای اعلام و رؤسای روحانی اسلام مالیده شده - مات اسلام خوار و ذلیل . و دولت ایران مضمحل گردید .

یکتای مطلق شهادت اگر علمای اعلام و معالین روحانی که قیام دولت اسلام و اقتدار مسلمین بسته بوجود آن بزرگواران است دست اقتدار نایب درجه در آستین انزوا نکشیده بودند . دولت و مات ایران بل جمیع فرق اسلام باین پایه دستخوش اجاب نمی گردید - و امروز اقدام علمای اعلام در جزئی اصلاح امور ملك و ملت باین اندازه در انظار خودی و بیگانه غریب جلوه نمی نمود - و صدر اعظم را آن قدرت حاصل نمیشد که در برابر دولت اسلام آن بزرگواران را بدان ردهای کفر آمیز یاد نماید - و برخاطرش چنین خطور نمی کرد که این عزت و اقتدار و تصرفات کیف ماشاء اود در مات اسلام از ازل بالاستحقاق و الاختصاص برای او خاق شده است

امیدواریم ازین و بعد از برکت اقدامات علمای اعلام کثرت اقدامات دفع جمیع این غوائل و رفع تمام این تصورات واهی شده اتحاد ملت و دولت چنانچه در خور اسلامیت است قائم گردد

از موضوع خود خارج نشویم - دلیل دیگر آنکه انتشارات جرائد خارجه در این موضوع دورار کذب و خالی از اضراق نمیشد . آن است که جواباتیکه از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی به علمای اعلام داده شده پخته و بر مغز نیست - و ابدأ قبول نمی توان کرد که این کلمات شاهانه باشد - اولاً سبب استقراض منحوسه از روس - حفظ منافع عمومیه مملکت ایران بیان شده - و حال آنکه شرایط این استقراض ظاهر میدارد که مایه مایه ملی و استقلال دولت ایران است - گذشته بر این آشکارا گردید - و پرده از روی کارها برداشته شد - ~~که~~ تا آخرین دینار این وجوه استقراضی سر از خارجه بیرون آورد - و بیشتر آن بایم صدر اعظم و متبع او در بینگهای اجاب جمع شد - و دیناری صرف تعمیرات و رفاه ملت نگردید - و بیکی از آن ، و اعبدی که از روی فریب و دغا در روزنامه رسمی ایران محض اسکت علمای داده شده وفا نکردند - هرگاه فقط حساب این وجوه استقراضی را از صدر اعظم بخواهند معلوم خواهند شد که این مبالغ هنگفت بکجا رفته است

دیگر آنکه - در جواب علمای اعلام مات مسافریهای فرنگستان شاهانه معالجه بیان شده -

اولاً - علمای اعلام در انکرافات خود اعراس صریحی بـ اثرت شاهانه نفرموده بودند گویا اخبار کار این جواب را از سؤال مقدر داده است

ثانیاً - مسم جهانیان است که متعال ترین هواهی عالم را در قطعات بخانه ایر - مینون حاصل کرد - و بهترین آبهای گرم معدنی را بخواص بخانه در سائر آبهای گرم معدنی دیده میشود در بران میسر دانسته اند - طاب کردن بزرگترین داکترهای اروپا برای مات افند شاهانه سهل بود - و مؤثرترین دواها را نیز در ایران موجود میتوانستند نمود -

داشتمندان داخله و ~~حکومت~~ سنجان خارجه مات مسافریهای شاهانه را از وسایس صدر اعظم و خیالات مکتوبه او بنداشته اند - زیرا هم بایم مهیا کردن اسباب مسافرت ( که قرصه اول و دوم از روس یکی از آن اسباب بود ) دولت را از اقتدار انداخت - و هم بذرایع دیگر که او نیز راجع باین مسافرتها مینمود ( از قبیل دادن امتیازات خاصه بر انداز که در دوران این مسافرتها بروس داده شد - و گرفتن صله خدمات خود را از دولت مشارالیه - مانند نشان در حه اول روس که ولایتت او یعنی اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران استعمال می فرماید - و حاصل کردن امپریالهای نونها تصرالناظرین و غیره و غیره - و نیز رعب اجاب و شوکت و قوت همسایگان خصوص روسرا به شاهنشاه اسلام نمودن تا خیالات ملوکانه را از حرکات ترقی خواهانه و جهادیه و دفاعیه باز دارد ) جز بدین وسایس خارج از امکان بود دلیل دیگر آنکه دات ملوکانه چنین جوابی به علمای اعلام

نداده - شمردن اینگونه امور را از خصایص سلطنت است - چه هر سلطنت ولو هر قدر مستقل و مقتدر و مستبد باشد مختار مطلق در اموریکه مضار و منافعی عاید بجمیع افراد باشد تسلیم نشده - و شرعاً و عقلاً و مطابق جمیع قوانین دول تسلیم نتواند شد - البته سلاطین قاهره مستبده در اوور راجه بفرود و مضار و منافعیکه مرجع و مآبش يك شخص باشد مختارند . اعتراضاتیکه علمای اعلام ~~حکومت~~ امثالهم نموده و اصلاحاتی که خواسته اند - نه تنها ضرر و نقمش عاید بجمیع افراد



است - بلکه مورث بر بادی دین و باعث تباهی عموم مسلمانان مسلم شده - هیچکس از روی هیچ قاعده نمی تواند گفت که رؤیای روحیه است حق تصرف و بارخواستن درین گونه مواد سمیه و موریه و غیره شرعاً ندارند - این سوء فتنه اسلام هرگز این سخن را کلام الملوك نمی وایم نمود - بلکه اسکه باوتم آنگاه از کتوب و کتوب طرف تباهی اعلام بدین بر سر خود نمودند پس حربین زهر و شای را هم کردند - بی اخلاقی مسلمانان و دولت اندخت که آمدی و صورت آنرا در عهد اصلاح از بر آید - و بدین بدین راهی از وی تسلیم نمود - پس رو نمکن است اگرانی از طرف پادشاه بعنوان سرور عالم اسلام رده باشد

از انکرافات علما میرهن است که با شخص پادشاه - فساد و فساد اصلاح ناسداندانک و سرل و نه و پس جمع حراستهای ایران بود حواسنگار شدند - محتاج است تا این بدین نماند شال و با را از خود مرتفع شده ده سرا صرف فرار داده باشد در هر صورت اندک مسامحی توان نمود که این محضرت پادشاه نادانان دانش ایران این گونه انکراف مؤسسهای روحانی است اسلام رده باشد

رود با عت مروری بدین امر آت قناعت نکرده کرد پس بر روی آن سه آتش خود که نتیجه جهل اسلام بود روحی جهال مسلمانان - با بود دامن را - اختلافات و سی را میجواید تازه نمود

در مسلمات و بیه است که اختلاف مذهب و ادیان - بدو عام از مسلمانان سمویه ثابت شد و همرا اختلاف در جهالت قوام مورث - فر و عداوت - گردیده هتل و - رت سائر هم مذهبان خود اودام کرده اند - هر کس تاریخ خوانده میداند که از چندی قبل اختلاف و - باوت مدهی روم تا لیک و چرخ آف انگلند بدرجهت بود که هیچ زمان بین شیعه و سنی بدین پایه اختلاف شیده نشده - در نام حرات با که در بعضی ممالک تا عامه سال قبل آید و فرقه نصری بر علیه ~~ی~~ دیگر بران هوس محترمه را آتش رده و بطرق وحشتناک ~~ی~~ دیگر رسرا میدادند - بلکه امروز هم بین جهال این دو فرقه عدوت و اختلاف مدهی بسرحد کمال است و هر یک در فریب هم روره کتب مضره بر علیه دیگری نوشته

و می نویسد - و نسبتهای وحشیانه که این دو فرقه در حق یک دیگر روا دیده و میدهند هیچ زمان هیچ یک از فرقه شیعه و سنی در حق آن دیگری روا نداشته است - ولی علم محقق مذهب و مال اندیشی با این همه مخالفت در مقابل مگاسنگان این دو فرقه را چون شیر و شکر درهم آمیخته است - در صورت یقین است هیچ مؤثر بر آید - اگر ما جنگ و جدال و حرکات وحشیانه سنی اولیه را نگاریم پادشان آورده بر مخالفت ~~ی~~ دیگر ~~ی~~ از آوریم -

فرب اگر وقتی از روی جهالت یا تقنین اجاب شکر آبی این شیعه و سنی واقع شده بود - ترقیات کون و اصلاح از وضع زمان و حفظ حقوق مذهب همه را از یاد برده - محمد باقر از برکات افغان قدسیه علمای اعلام و سلاطین اسلام امروزه در شیعه و سنی جز اتحاد و یگانگی در هیچ نقطه سوایم یافت - و در معاملات سیاسی و فوائد مایه و حقوق مذهب بهتر و بیشتر از مال نصراویه متحد و متحد - امیدواریم که عملاً قرب مرد فرد مسلمانان عالم محقوق مذهب واقف و بوظائف خود آگاه شده - مصالح اروبع زمان گشته نتیجه این اتحاد را بهتر از نصراویان حاصل نمایند - و دین مقدس اسلام را و وقتی تازه بخشد

از همه بالاتر مهت تقنینی است که اخبارات مروریه بدولت عایه عثمانیه در ملک و دولت ایرانیه میزنند - بر علیان پوشیده نیست که این شیوه غیر مرصیه از خصائص فرنگان است - و مال و دولت اسلام فرسنگها ازین صفت میشوم دوراند - کلیه شورش مقدویا و فتنه باغان با جمیع قشای که تا امروز در خاک عثمانی شده از تقنین فرنگان بوده و هست که دولت عایه عثمانیه با طاعت جهد ایران افروخته آنان را همه وقت فرو می نشاند

محرم مسلمانان (قریم) هرگاه از ظلم و اجحاف و دست اندازی در مذهب آنها گفته شود بصواب نزدیکتر است - تا آنکه بواسطه رجال عثمانی نسبت دهنده حق این است که بر خلاف بدیهات رفتن - و ضد حیثیات سخن گفتن - خلی سحت روئی میجواید - و اینگونه سحت روئی جز در فرنگان خصوصاً در حراید نگارانان کم مدعی فلاح نوع - و صلاح طامه اند که (بر عکس است - نام رنگی کافور) میجوایم یافت



\* جبل المتین کلکتہ \*  
 (مدیکل کالج استریٹ نمبر ۴)  
 \* کایہ امور اداره \*  
 بامدیر کل مؤید الاسلام است  
 \* منظم اداره \*  
 (آقا محمد جواد شیرازی است)  
 \* هر دو شبہ طبع \*  
 (پوشه شنبه توزیع میشود)  
 \* بتاریخ دوشنبه \*  
 (۱۳ رجب ۱۳۲۱ هجری)  
 \* مصادف \*  
 (۵ اکتوبر ۱۹۰۳ میلادی) (خریداران نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات — ۶ منات)  
 \* قبل از دریافت نمودن قبض اداره \*  
 \* روس و ترکستان \*  
 \* روزنامه مقدس \*  
 (سالانه — شش ماهه)  
 \* قیمت اشتراک \*  
 (۱۲ روپہ ۷ روپہ)  
 \* ایران و افغانستان \*  
 (۵۰ فران ۳۰ روپہ)  
 \* عثمانی و مصر \*  
 (۵ بییدی ۳ بییدی)  
 \* اروپا و چین \*  
 (۳۰ فرنک ۱۷ فرنک)  
 \* هند و برمه \*

# جبل المتین

سنة ۱۳۱۱

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود  
 مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست

## مهرست مندرجات

§ سواد تلگراف مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی \*  
 ایضاً \* تلگرافات \* سیاست امیر افغانستان \* مکتوب  
 از بوشهر \* مکتوب از گنجه \* ایضاً نگارنده مکتوب  
 گوید \* شرح پلتیک و خیالات میرزا علی اصغر خان \*  
 مکتوب از شام \* مکتوب یکی از فسلای ایران \*  
 مکتوب یکی از وطن پرستان قفقاز \* ملاحظه \*  
 مکتوب از طهران \* مکتوب از بغداد \* دولت  
 انگلیس و مسلمانان \*

## سواد تلگراف مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی

(که در ماده استغفای اتابک اعظم بحکام)  
 (و ولات زده شده)

§ چون جناب میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم از  
 مشاغل و جلال امور دولتی که بر عهده او موقوف  
 فرموده بودیم عرض استعفا داد - ما هم قبول استعفا  
 اورا فرموده - بشما مقرر میفرمایم پس از این عرایض  
 و راپورت کارهای محاکم و ولای را مستقیماً بعرض  
 حضور رسانیده و کسب تکلیف نماید شب بیست و  
 چهارم جمادی الثانی سنه ۱۳۲۱

## ایضاً

\* تا کراف ملوکانه به کام و ولات \*  
 § چون برای وصول عرایض عامه و واسطه عرایض  
 مخصوصه شخصی امن کافی کاردان مجرب لازم بود که  
 کلیه عرایض و مطالب عامه اهالی محاکم را از اعلی و  
 ادنی برص حضور - ظهور ملوکانه برساند و  
 فرمایشات و اوامر قضا مظاهر همیونی را بمردم جمهور  
 نوکر و رعیت ابلاغ و احری دارد - لهذا نور چشم  
 اعز ارچند کامکار (عین الدوله) را برای این خدمت بزرگ  
 منتخب و برقرار فرمودیم - که هرکس از حکام ولایات  
 و نوکر و رعیت هر مطلبی و تظلمی داشته باشند بتوسط  
 او بعرض برساند عرض نماید این مرحمت ما را که  
 باعث رفاه حال عموم رعایاست - تمام اهالی ابلاغ دارند  
 و کلیه وزارت خانها و ادارات هم که بعضی از آنها  
 ذکر می شود بلا تمییز - ول خدمت راجحه خواهند  
 بود - اگر مطلبی راجح بهر یک از وزارت خانها باشد  
 به آنجا رجوع نمایند - اقدامات لازمه خواهند نمود  
 و مهاتب را بعرض حضور ما خواهند رسانید

(سپهسالار) وزیر جنگ (مشیرالدوله) وزیر امور خارجه (مشیرالسلطنه) وزیر مالیه (نظام الملك) وزیر عدلیه (میرزا محمد حسین) وزیر دفتر (مخبرالدوله) وزیر تکرار (مدیرالدوله) وزیر لشکر (وکیل الملك) وزیر تجارت حاجی (امین السلطنه) وزیر محاسبه (نیر الملك) وزیر علوم (مسیونوز) وزیر کرامت - دوم رجب سنه ۱۳۲۱

تکرافات

( ۱ رجب - ۲۶ ستمبر )

§ مستر بلفور از ( بلجورل ) بیرون شده - لارڈ ملر امروز از ( کارلسباد ) حرکت و فردا در لندن خواهد رسید

§ با اینکه بین افسران عهد و پیمان آثار صلح در اسلامبول پایان است - معذالک با بعضی تدارکات جنگی خود را بطریق کافی می بینند - چنانچه شصت و پنج فوج در آسیای کوچک - و سی و دو فوج در سلویکا مهیا داشته - همه قشون خود را در ( ادریا بول ) گذارده است

( ۵ رجب - ۲۷ ستمبر )

§ اشرار مقدونیا و مقدونین بلغار در ( صوفیا ) محض بهیجان آوردن اهالی انعقاد مجلس بسیار باشکوهی نموده برفق های سیاه ترتیب داده و تصویر سردارانیکه در این عالمه بقتل رسیده بر پرده های برفقها رسم نموده اند -

§ در کوههاییکه فراریان مقدونیا پناه گرفته برف بسیار باریده ابواب جلوه بر آنها مسدود گردیده است § ( دیوک آف رچند ) ان دارقش را وداع گفت § دولت آنازونی خواهش بلجیهالی را منباب طلب نمودن کشتیهای جنگی خود از بندر ( بیروت ) با اجابت مفروغی نموده است

§ اهالی سروید از فرمان اعلیحضرت - سلطان که تخصیص قومیت آنها را تسلیم ملتته اطهار مسرت مینمایند هفت سال کامل این مسئله موسوع بحث بود و دولت عثمانی تسلیم نمی نمود § اخبارات فرانسوا عقیده بر این است که دولت

فرانس مراکو را در تحت حایة خویش آورده است و نیز با دولت انگلیس مخابره می شود که میزاج او انگلیس مشروط بر اینکه در عوض فرانسه نیز با انگلیس هر مواد دیگر همراهی نماید - اگر چه رسماً بپهری درین خصوص ظاهر نشده ولی مساماً مراکو در تحت نفوذ فرانس قرار گرفته و دولت انگلیس نیز تسلیم نموده است

( ۶ رجب - ۲۸ ستمبر )

§ دولت انگلیس جداً از با بعضی خواستگار شده که ماحلاً مجوزة اصلاحات دولتین آستریا و روس را در مقدونیا بموقع اجرا آورد دولت مشارالیه با دول سایر مخابره می نماید که علاج و تدبیری بهتر و کافی تر درباره مقدونیا بیجوز شود - چه اعضای کمیسیونیکه از طرف با بعضی برای اصلاحات نامزد شده عیسویانی هستند کم اقتدار و گمنام - میتوان گفت دست پرورده عثمانیاند

§ (مستر جلز رنده) ضمن تقریر خود در (نیوکاسل) اظهار داشته که اگر (مستر بلفور) تا سال آینده بدین عهده بر قرار ماند فرقه (آرش) اقتدار کلی حاصل نموده مقاصد خویش را باسانی از پیش خواهند برد -

§ در وزارت خارجه انگلستان درین هفته تشکیل شوری شده در ماده تکرار فیکه هم شهر حال در اضافه کراک جانی در روسیه رسیده بحث خواهند نمود - و چنان تصور میکنند که اشکونه اضلفه کراک که روس نموده برخلاف معاهده میباشد

§ اجاوتت ملخسلر مجدداً (دسیویمی وچ) که یکی از وزرای اطارت مشلولیلهست برای تمفیة امر خاصی به اسلامبول گسیل داشته - وزیر موصوف در می ماه گذشته نیز برای اصلاح امر همین به بلجیهالی آمده بود § بیرون آوردن علم های سیاه با آن شکوه و جلال در ( صوفیا ) چنانچه مترصد بودند ولوله در مردم بنداخت - ولی ظاهراً بود که لعالی کمال همراهی را با شورشیان و طرفداری از ایشان خواهند نمود

( ۷ رجب - ۲۹ ستمبر )

§ به از گرداندن علم های سیاه در ( صوفیا ) عملید بهر